

جایگاه و زمینه های اعتصاب عمومی در شرایط حاضر گفتگو با حمید تقوایی

این نوشته بر مبنای مصاحبه با تلویزیون کانال جدید تدوین شده است
صفحه ۳

بازتاب هفته

(زیر نظر کاظم نیکخواه)

شیرین شمس: زنی که پرئود شد
حسن صالحی: علیه قتل خاشتچی و مدافع کشتار در ایران
کاظم نیکخواه: نقش "اقتصادی" قوه قضائیه!
صفحه ۴

کارگران در هفته ای که گذشت

شهرلا دانشفر
صفحه ۵

حقیقت و جنایت

در حاشیه قتل فجیعانه جمال خاشتچی

علی جوادی

پیرامون صدور احکام اعدام برای ۵ فعال محیط زیست

محمد شکوهی
صفحه ۹

افغانستان: چشم انداز قهقرا یا رهایی؟

کاظم نیکخواه
صفحه ۹

خطاب به مقامات سازمان جهانی کار

جمهوری اسلامی چه جنایت دیگری باید بکند

که از آی ال او اخراج شود؟

اصغر کریمی
صفحه ۱۰

کمپین برای آزادی کارگران زندانی - اتحادیه کارگران

کانادایی علیه اعدام، شلاق و امنیتی کردن مبارزات در ایران

صفحه ۱۳

کمپین برای آزادی کارگران زندانی - فدراسیون های

اتحادیه های کارگری جهانی تقاضای اعدام برای ۱۷ راننده

اعتصابی را محکوم میکنند و خواهای آزادی فوری و بدون قید و

شرط آنها هستند

صفحه ۱۱

نهاد اکس مسلم در آلمان - زنان ناموس هیچ کس نیستند، نه به

ناموس پرستی مردسالارانه، نه به فرهنگ و قوانین ضد زن اسلامی!

صفحه ۱۵

سخنرانیهای مینا احدی در ماه نوامبر

صفحه ۱۵

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۸۷

جمعه ۴ آبان ۱۳۹۷، ۲۶ اکتبر ۲۰۱۸

اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری:

فراخوان اعتصاب سراسری

توسط کارگران راه آهن
صفحه ۲

فرشید هکی فعال محیط زیست را کشتند!

"مردم ایران چیزی برای از دست دادن،

به جز زنجیرهایشان ندارند"

صفحه ۲

فراخوان رانندگان کامیون به شروع مجدد

اعتصاب سراسری

اولین خواسته ما آزادی ۲۶۲ همکار بازداشتی ماست

صفحه ۱۶

کارگران راه آهن و پالایشگاه بید بلند

و سد گچساران علیه نپرداختن دستمزدها

صفحه ۲

تعرض به هاشم خواستار را محکوم میکنیم

صفحه ۱۰

اعتراضات گسترده کارگران پیمانکاری در

منطقه ویژه پارس

صفحه ۱۲

سه اعتصاب کارگری

علیه نپرداختن دستمزدها

صفحه ۱۲

رانندگان و معلمان دستگیر شده باید فوراً آزاد

شوند

صفحه ۱۳

اعلام کارزار جهانی برای آزادی دستگیر

شدگان مبارزات جاری در ایران

رانندگان دستگیر شده باید فوراً آزاد بشوند

صفحه ۱۶

از کارزار معلمان برای آزادی معلمان زندانی

حمایت و پشتیبانی کنیم

صفحه ۱۴

فراخوان اعتصاب سراسری توسط کارگران راه آهن

"شورای هماهنگی خط و ابنیه کارگران راه آهن" برای روزهای ۵ تا ۱۰ آبان فراخوان به اعتصابی سراسری داده است. ۶۵۰۰ کارگر راه آهن با طرح ۷ خواست فوری فراخوان به اعتصاب در سراسر کشور داده اند. خواستهای کارگران عبارتند از: تسویه حساب کامل حقوقها، پرداخت بیمه درمانی، لغو قراردادهای موقت و انعقاد قراردادهای دائم کاری، حق تشکل، داشتن حق تجمع و برگزاری آن در هر زمان که کارگر برای طرح مشکلاتش نیاز دارد، متوقف کردن اخراج کارگران تحت عنوان "تعدیلی" و اعلام تاریخ دقیق پرداخت حقوق از سوی مدیریت. کارگران اعلام کرده اند که اینها خواستهای همه کارگران راه آهن در سراسر ایران است و باید فوراً عملی شود.

بخشهای مختلف کارگران راه آهن در ماههای اخیر در چند نوبت با اعلام خواستهای خود دست به اعتصاب سراسری زده اند. از جمله در ۲۹ تیرماه این کارگران در اعتراض به تعویق پرداخت ۳ تا ۴ ماه مزد در استانهای خراسان، آذربایجان، لرستان، اصفهان، زنجان و شهرهای اسلامشهر، کرج، شاهرود، سمنان، دامغان، گرگان، ورامین، اراک، ارومیه، اندیمشک، زاهدان و همچنین دیزل تهران دست به اعتصاب زدند. همچنین در هفتم مهر ماه کارگران راه آهن شاهرود به خاطر دریافت نکردن چند ماه مزد اعتصاب کردند و در ۱۴ مهر نیز کارگران حوزه سرخس در استان خراسان دست از کار کشیدند و بخاطر عدم پرداخت دستمزدهایشان به سمت فرمانداری و استانداری این شهر راهپیمایی کردند.

به گفته کارگران راه آهن

پیش بسوی اعتصابات سراسری حزب کمونیست کارگری ایران ۴ آبان ۱۳۹۷، ۲۶ اکتبر ۲۰۱۸



فرشید هکی فعال محیط زیست را کشتند! "مردم ایران چیزی برای از دست دادن، به جز زنجیرهایشان ندارند"



فعالین علیه تخریب محیط زیست عجزین شده است. امروز در شرایطی که توده مردم علیه جمهوری اسلامی تر و یکپارچه تر از همیشه علیه کشتار و ترور فعالین و علیه کل ماشین سرکوب و جنایت حاکم به میدان آمد.

حزب کمونیست کارگری قتل فرشید هکی را قویا محکوم میکند. ما اعلام میکنیم که در فردای شیرین سرنگونی حکومت اسلامی تمامی آمرین و عاملین جنایت علیه مردم را به محاکمه خواهیم کشید. آن روز دور نیست!

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران
۴ آبان ۱۳۹۷، ۲۳ اکتبر ۲۰۱۸

گذشته است."

انگشت اتهام را در این جنایت نیز بار دیگر باید به طرف حکومت آدمکشان اسلامی نشانه گرفت. قتل وحشیانه هکی در زمانی رخ داده است که تعدادی از فعالان محیط زیست از بهمن ماه سال گذشته به اتهام واهی "جاسوسی" در زندان بسر می برند و اخیراً نیز به فساد فی الارض متهم شده اند، اتهامی که با توسل به آن تاکنون بسیاری را به جوخه های اعدام و طنابهای دار سپرده اند. پیش از آن نیز کاووس سید امامی از فعالین محیط زیست را در زندان به قتل رسانده بودند.

اما تاریخ سیاه حکومت اسلامی تنها تاریخ سرکوب و اعدام و شکنجه و ترور و گورهای دسته جمعی نیست. تنها تاریخ تحمیل فقر و فلاکت گسترده و عمومی نیست. تنها تاریخ ضدیت با زن و تحمیل حجاب اسلامی و جهاد اسلامی علیه انسان و انسانیت و خوشی و شادی نیست. تنها تاریخ مرگ تدریجی و نابودی بخشهایی از محیط زیست و زندگی نیست. این تاریخ سیاه حکومت اسلامی با مبارزات بخشهای مختلف مردم، کارگران و زنان و جوانان و از جمله

جنایتی دیگر! در توثیت های منتشر شده توسط عبدالرضا داوری مدیر مسئول نشریه "بررسی های اقتصادی" در یکشنبه ۲۹ مهر ماه آمده است: "خبر تکان دهنده بود. دکتر فرشید هکی" حقوقدان و اقتصاد دان عدالتخواه و مشاور علمی نشریه بررسی های اقتصادی، ساعتی قبل به طرز فجیعی به قتل رسید. ... " بر اساس اطلاعات اولیه، دکتر فرشید هکی در نزدیکی منزلشان، مورد حمله افراد ناشناس قرار گرفته و پس از وارد شدن تعداد زیادی ضربات چاقو، جسد ایشان را سوزانده اند."

فرشید هکی عضو کمپین محیط زیستی "زاگرس مهربان" بود، کمپینی که به انتقاد از سیاستهای حکومت اسلامی در قبال چگونگی بهره برداری و مصرف آب در حکومت اسلامی می پرداخت. در کانال تلگرامی "پیشتازان عدالت" یادداشتی به نام فرشید هکی منتشر شده است که در آن آمده است: "مردم ایران دیگر چیزی برای از دست دادن، به جز زنجیرهایشان ندارند... اعتصابات و اعتراضات صنفی نمونه ای از چنین وضعیت بحرانی است... کارد از مغز استخوان مردم

کارگران راه آهن و پالایشگاه پید بلند و سد گچساران علیه نپرداختن دستمزدها

- روز اول آبانماه بیش از ۵۰۰ کارگر سد چمشیر گچساران برای چندمین بار در اعتراض به محقق نشدن وعدهها و پرداخت نشدن ۱۰ ماهه حقوق معوقه خود در محوطه کارگاه این پروژه تجمع کردند.

پیش به سوی اعتصاب سراسری حزب کمونیست کارگری ایران
۴ آبان ۱۳۹۷، ۲۶ اکتبر ۲۰۱۸

- روز دو آبانماه کارگران پالایشگاه گاز بیدبلند بهبهان در اعتراض به پرداخت نشدن ۶ ماه حقوق دست به اعتصاب زدند. لازم به یادآوریست که کارگران و پرسنل پالایشگاه بیدبلند بهبهان در تیرماه سال جاری نیز دست به تجمع اعتراضی زده و اعتصاب کرده بودند. از آنجا که خواست کارگری پاسخی نگرفته است، این کارگران دوباره دست به اعتصاب زده و پیگیر خواستهایشان شدند.

- روز دوم آبانماه کارگران راه آهن هرمزگان در اعتراض به پرداخت نشدن نیمی از حقوقهای برج ۴ و ۶ و ۷ تجمع کردند. در همین رابطه ۶۵۰۰ کارگر راه آهن با اعلام خواستهایی چون حق تشکل، حق تجمع، توقف فوری اخراجها، پرداخت فوری دستمزدها، بیمه درمانی و لغو کار قراردادی و دائمی کردن قراردادهای برای ۱۰ آبانماه به اعتصاب سراسری فراخوان داده اند.

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید

جایگاه و زمینه های اعتصاب عمومی در شرایط حاضر گفتگو با حمید تقوایی

این نوشته بر مبنای مصاحبه با تلویزیون کانال جدید تدوین شده است



خواستهایشان برسند. این گفتمان و این طرز تفکر الان بسیار ضعیف و کاملاً حاشیه ای شده است. جنبش انقلابی جاری با شعار "اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا" شروع شد و خیلی از دو خردایه های سابق امروز سرنگونی طلب شده اند.

بر متن این شرایط عمومی در جامعه اکتیویستها و فعالین در جنبش کارگری و جنبشهای دیگر در سطح هر چه گسترده تری به این نتیجه میرسند که باید حکومت را سرنگون کرد و یک اسلحه اساسی برای این امر اعتصاب است.

محمد کاظمی: از سرکوب صحبت کردید. از هم اکنون و قبل از اینکه اعتصاب عمومی شکل بگیرد رژیم دستگیر میکند، به زندان میاندازد، و در رابطه با رانندگان اعتصاب حتی تهدید به اعدام کرد. فکر نمیکنید در برخورد به اعتصاب عمومی این سرکوبگرها شدید تر خواهد شد؟

حمید تقوایی: بی شک رژیم به اقدامات سرکوبگرانه شدیدتری دست خواهد زد. رژیم همه تلاش اش را خواهد کرد ولی به نظر من سرکوبگری تاثیر چندانی نخواهد داشت. رانندگان اعتصابی که شما اشاره کردید در همان آغاز اعتصاب اعلام کردند که دستگیریها تاثیری نخواهد داشت و ما دست از خواست هایمان نمیکشیم. طی سه هفته اعتصاب بیش از ۲۵۰ نفر از آنها بازداشت شدند ولی این باعث نشد اعتصاب را تمام کنند. بالاخره بعد از موافقت رژیم با بعضی از خواستهایشان اعتصاب را ختم کردند. رژیم نتوانست با بازداشت رانندگان اعتصاب را بشکند.

آخرین خبر هم اینست که رانندگان میخواهند برای تحقق همه خواست هایشان که اولین آن آزادی

صفحه ۶

سراسری شکل میگیرد این یک شاخص حرکت و روی آوری جامعه به سوی اعتصاب عمومی است. وقتی حتی بازاریان فراخوان میدهند و دست به اعتصاب سراسری میزنند معلوم است جامعه وارد مرحله ای شده است که اکثریت عظیم جامعه از وضع موجود ناراضی است و از حکومت نومید شده است. اعتصابات و اعتراضات و تجمعات مستمر و پی در پی در میان معلمان و پرستاران و بازنشستگان و بخشهای دیگر طبقه کارگر و توده مردم را باید زمینه ساز و پیش درآمد اعتصاب عمومی دانست.

شاخص دیگر مضمون این اعتراضات است. وقتی کارگران معترض و اعتصابی به دولت التیماutom میدهند که اگر خواستمان برآورده نشود خودمان کارخانه را در دست میگیریم، یا کارگران با شعار "زیر بار ستم نمیکشیم زندگی" راهپیمایی میکنند و یا شعار "فلاکت عمومی حقوقهای نجومی" همه گیر میشود، اینها همه نشاندهنده حرکت جامعه به سمت اعتصاب عمومی است.

در مورد بخش دوم سؤال شما به نظر من آنچه بویژه فعالین جنبش کارگری و همچنین جنبشهای معترضی دیگر بر آن توافق دارند اینست که بالاخره باید دست به اعتصاب زد و بقدرت اعتصاب حکومت را بزیر کشید.

از نظر سیاسی و اجتماعی نکته مهم و تعیین کننده اینست که جامعه مدتهاست از خط دو خردادی که زمانی بخشهایی از مردم به آن توهم داشتند عبور کرده است. آن زمان هم این بخش در اقلیت بود ولی بالاخره گرایش دو خردادی در بخشی از دانشجویان و فعالین جنبش رهائی زن و حتی در میان کارگران وجود داشت. این گرایش معتقد بود با حفظ حکومت و استحاله آن مردم میتوانند به

ایستند، سعی میکنند بین مردم تفرقه بیندازند و غیره اما این نوع مانورها دیگر نمیتواند جامعه را آرام کند. نفس برپائی اعتصاب عمومی به این معنی است که جامعه از این مراحل گذشته است. همانطور که توضیح دادم در شرایط انقلابی مردم با هر خواستی بخیابان آمده باشند هدف بزیر کشیدن حکومت را دنبال میکنند و به همین دلیل عقب نشینی های حکومت نمیتواند آنها را از مبارزه باز بدارد. مردم می فهمند که عقب نشستن حکومت بخاطر تعرض و مبارزه آنها است و اگر از مبارزه دست بکشند حکومت این فرصت را پیدا میکند که خودش را مستحکم کند و برگردد و بزند و امتیازاتی که داده است را هم پس بگیرد. مردم معترض اینها را میدانند و نقش حزبی مثل حزب ما اینست که این واقعیات را برجسته و تاکید کند و در برابر چشمان بخش هر چه وسیعتری از توده مردم قرار بدهد.

محمد کاظمی: این روزها پیش بسوی اعتصاب عمومی یکی از شعارهای حزب است. آیا جامعه برای دست زدن به اعتصاب عمومی آمادگی دارد؟ آیا میان پیشروان و رهبران کارگران و دیگر بخشهای محروم جامعه هماهنگی و هممنظری لازم برای برپائی اعتصاب عمومی وجود دارد؟

حمید تقوایی: به نظر من جامعه این آمادگی را دارد بخاطر این که در همین دو سه هفته گذشته ما شاهد اعتصابات سراسری و تقریباً هم زمان بودیم. از اعتصاب رانندگان تا اعتصاب معلمان و بازاریان و چند هفته قبل از آن اعتصاب سراسری در کردستان. قبل از اعتصابات اخیرم بخشهای مختلف طبقه کارگر از جمله رانندگان و معلمان دست به اعتصابات و تجمعات سراسری زده بودند. وقتی اعتصاباتی در سطح

اما در عین حال برای تحقق همین خواستها اعتراض و مبارزه میکنند. در شرایط انقلابی این اعتراضات گسترده میشود و همزمان صورت میگیرد.

یکی از مکانیسمهای همزمانی اعتصابات شکلگیری اعتصابات حمایتی است. یعنی اعتصاب در حمایت از اعتصاب. وقتی اعتصاب بخشی از جامعه نظیر همین اعتصاب رانندگان کامیون توجه جامعه و افکار عمومی را جلب میکند اعلام حمایت از اعتصاب نیز رواج پیدا میکند. هم در مورد اعتصاب رانندگان و هم اعتصاب معلمان ما شاهد این نوع اعلام حمایتها بوده ایم. میتوان انتظار داشت و البته باید تلاش کرد که با گسترش و پیشروی روند مبارزات و اعتراضات مردم این نوع حمایتها به اعتصابهای حمایتی تبدیل بشود. این خود یک فاکتور مهم در شکلگیری اعتصاب عمومی است.

محمد کاظمی: شما به مساله سرنگونی اشاره کردید. آیا ممکن است در کشوری مثل ایران اعتصاب عمومی به خواستهای خودش برسد و حکومت همچنان در قدرت باشد؟

حمید تقوایی: احتمال چنین چیزی تقریباً صفر است. در همه انقلابها همینطور است. ممکن است در روزهای آخر دولتها، زیر فشار انقلاب و مبارزات و اعتصابات که از هر طرف محاصره شان کرده است، به برخی از خواستهای مردم تن بدهند ولی این فقط باعث خواهد شد که مردم تعرض بیشتری بکنند. اگر بخاطر داشته باشید در انقلاب ۵۷ شاه در ماه های آخر حکومتش دستمزدها و حقوقها را افزایش داد ولی این نجاتش نداد. حکومتها حتماً برای حفظ خودشان به مانورهای مختلفی دست میزنند، بعضی از خواستها را قبول میکنند، مقابل بخش دیگر می

محمد کاظمی: اعتصاب عمومی یعنی چه؟ آیا منظور اعتصاب همه مردم و یا بخش وسیعی از مردم با یک خواست و شعار واحد است؟

حمید تقوایی: یک احتمال البته این هست که بخشهای مختلف مردم حول شعارها و خواستهای واحدی دست به اعتصاب بزنند. بخصوص در شرایط انقلابی که حکومت و سیستم موجود بزیر سؤال میروند شعارها و خواستهای مشترک واحدی در جامعه مطرح و توده گیر میشود. ولی به نظر من اعتصاب عمومی لزوماً به معنی اعتصاب حول یک خواست نیست. اگر به تجربه تاریخی هم رجوع کنید می بینید که اعتصابات عمومی معمولاً به شکل مجموعه ای از اعتصابات همزمان و سراسری بروز پیدا میکنند. این اعتصابات خواستهای متفاوتی دارند ولی هدف مشترك آنها حتی اگر علناً و صریحاً اعلام نشود سرنگونی حکومت موجود است. بخشهای مختلف جامعه برای خواستهای فوری و مبرم خود پا بمیدان میگذارند ولی در عین حال همه میدانند که این خواستها با وجود حکومتی که در قدرت است قابل

تحقق نیست. این یک خصوصیت شرایط انقلابی است که توده مردم به این نتیجه میرسند که برای تحقق حتی فوری ترین و مبرم ترین خواستهایشان ناگزیرند حکومت را بزیر بکشند. بعنوان نمونه امروز افزایش دستمزدها و خاتمه بخشیدن به فقر و فلاکت یک شعار و خواست عمومی کارگران و توده مردم است ولی کسی تردیدی ندارد که جمهوری اسلامی قادر به تامین آن نیست. مردم میدانند این حکومتی نیست که حق تشکیل و اعتراض را برسمیت بشناسد، این حکومتی نیست اعدام را لغو کند، برابری زن و مرد را بپذیرد و از آپارتاید جنسیتی یا حتی حجاب اجباری دست بکشد. مردم اینها را میدانند

بازتاب هفته (زیر نظر کاظم نیکخواه)

زنی که پرپود شد

شیرین شمس

این هفته انتشار مطلبی تحت عنوان "زنی که پرپود شد" در نشریه ای در دانشکده فنی دانشگاه تهران گویی ستون اسلام را به لرزه در آورد و اسلامی ها را به شدت به خشم و غضب آورد. سبحان فلاح یکی از بسیجیانی است که با دیدن مطلب «زنی که پرپود شد» در نشریه زینق، از هم پاشیده و این مطلب و نشریه را هتک حرمت تلقی کرده و در تویت خود می نویسد: "نشریه ی زینقی دانشگاه فنی دانشگاه تهران مرزهای بی شرفی و بی هم‌چیز بودن در هتاک را جابه‌جا کرده و کککش هم نمی‌گردد!" و در تاکید بر گزینشی بودن نشریات می نویسد: "آنوقت پرونده‌ی مدیرمسئول نشریه صبح دانشگاه علامه، بخاطر انتقاد به مسئولین دانشگاه، تا کمیته انضباطی هم می‌رود!"

انتخاب موضوع پرپود زنان قطعاً تصادفی نیست. هدف نویسنده و دست اندرکاران نشریه زینق توجه دادن

علیه قتل خاشقجی و مدافع کشتار در ایران

حسن صالحی

بعد از قتل فجیع روزنامه نگار عربستان سعودی جمال خاشقجی، به دستور حکومت این کشور بالاخره یکی از میان مقامات رسمی جمهوری اسلامی در این مورد اظهار نظر کرده است. حسن روحانی در نشست هئیت دولت گفته است که: "کسی تصور نمی کرد که در دنیای امروز و در قرن جدید شاهد این چنین قتل سازمان یافته ای بوده و دستگامی برای انجام يك قتل فجیع برنامه ریزی بکند و فکر نمی کنم بدون حمایت آمریکا کشوری جرأت ارتکاب چنین جنایتی را داشته باشد." اینکه تا کنون سران جمهوری اسلامی سکوت اختیار کرده بودند خود جای بحث جداگانه ای دارد. اما نمی دانم شما با شنیدن این جملات از سوی رئیس جمهور حکومتی که در ابعاد و سیع و به شیوه های بسیار فجیع مخالفین سیاسی خود در داخل و خارج کشور را به قتل رسانده است چه احساسی پیدا کردید؟ اما پیش از آنکه روحانی این سخنان وقیحانه را بر زبان بیاورد مردم زیادی در مدیای اجتماعی جواب ایشان را داده اند. قتل خاشقجی را بسیاری از مردم فوراً با ترورها و کشتارهای جمهوری اسلامی در ایران و در کشورهای مختلف مقایسه کردند. مردم به درست با اشاره به قتل های زیادی نظیر قتل زهرا کاظمی زیر شکنجه، قتل فجیع فریدون فرخزاد در آلمان، کارد آجین کردن فرورها، قتل نویسندگانی همچون مختاری و پوینده و دیگر قربانیان حکومت، قتل خاشقجی را با این قتلها مقایسه کردند. واقعیت این است که بنای حکومت اسلامی ایران و

نقش "اقتصادی" قوه قضائیه!

کاظم نیکخواه

نتیجه دادستان تهران سراغش رفته است. و گرنه دزدی چند میلیون دلاری در حکومتی که دزدیها چند ده میلیاردی و بیشتر است، يك مقداری شبیه آفتابه دزدی میماند.

دادستان تهران قطعاً مثل اکثر مردم ایران بخوبی میداند که اقتصاد جمهوری اسلامی سالیهاست که تماماً بر دزدی و تقلب و رانت خواری و رشوه گیری و سفته بازی و چپاول ثروتهای اجتماعی متکی است و کلاً به این شیوه تا همین حد

هم سرپا مانده است. نتیجه این یورش اقتصادی به ثروتهای اجتماعی فقط بن بست اقتصادی نیست. فقر کمر شکن برای اکثریت مردم از عوارض اصلی آنست. مردم همه بخوبی میدانند که تمام سران و دست اندرکاران ریز و درشت حکومتی از جمله خود جناب دادستان جزئی از صورت مساله هستند و پای اصلی این سیستم چپاولند. فقر کمر شکنی که به اکثریت مردم تحمیل شده از خود این سیستم ناشی میشود. اگر شوکی به اقتصاد بخواد وارد شود اینست که در قدم اول جمهوری اسلامی سرمایه داران و تمام نهادهایش از جمله قوه قضائیه جنایتکارش در هم کوبیده شود و تمام دزدان و چپاولگرانش به زیر کشیده شوند. مردم ایران دست اندرکار وارد کردن چنین "شوکی" هستند. این را هم ما مردم میدانیم که به زیر کشیدن جمهوری اسلامی گام اول برای پایان دادن به چپاول و دزدی و تقلب هست اما گام آخر نیست. خلاص شدن مردم از شر دزدان و چپاولگران و پایان دادن فقر و محرومیت اکثریت مردم برای همیشه با هیچ نوع سیستم سرمایه داری ای امکان پذیر نیست، بلکه فقط با ایجاد يك سیستم انسانی و عدالت اجتماعی در همه زمینه ها امکان پذیر است. پیاده کردن این نیز گام بعدی است که بدون تردید فوراً باید برداریم.

سوال: وقتی در کشوری اقتصاد به درد بی درمان رکود و فلج مطلق مبتلا میشود و تکان نمیخورد و عملاً در حال موت است واقعا چه باید کرد؟

جواب: در این صورت این وظیفه دادستان و بازجو و رئیس زندان و پلیس و پاسبان و قاضی است که وارد گود اقتصاد شوند و با بگیر و ببند "مفسدان"، اقتصاد را احیا و فعال نمایند!

هرچقدر هم این جواب غیرعلمی و مسخره بنظر برسد اما این پاسخ واقعی و عملی چند سال اخیر تا همین امروز جمهوری اسلامی به فلج و بن بست اقتصادی است. بگذارید از آخرین خبر شروع کنیم.

جعفری دولت آبادی دادستان تهران این هفته اعلام کرد که "آخرین" دادستانی تهران طی مکاتبه با بانکها، فهرست بدهکاران ارزی را استعلام کرده و موضوع در دست بررسی است. به عنوان مثال فردی در خوزستان شرکتی را خریداری کرده و از سال ۹۴ تا ۹۶ حدود ۸۰۰ میلیون دلار گرفته و تاکنون تعهدات ارزی خود را انجام نداده و در حال حاضر نیز متواری است." به گزارش میزان؛ جعفری دولت آبادی در تشریح وضعیت برخی از پروندههای ارزی اظهار داشت: فردی ۲۴۰ میلیون دلار ارز دولتی اخذ نموده و آن را در بازار آزاد فروخته و با سود حاصله و با مابه‌التفاوت بهای ارز دولتی و آزاد، کارخانهای را در تبریز خریده است. وقتی فهرست دریافت کنندگان ارز رسانه ای شد، این فرد تحت تعقیب قضایی قرار گرفت و در تحقیقات اعتراف کرد که ارزهای دولتی را فروخته و از ما به التفاوت قیمت دولتی و آزاد، کارخانه ای خریداری کرده است"

مشکل این شخص "بیچاره ای" که ۲۴۰ میلیون دلار را بالا کشیده این نیست که تقلب کرده بلکه اینست که به احتمال زیاد جزو "آقازاده"ها حساب نمیشود و در

به موقعیت زنان در جامعه و درگفتمانهای موجود در دانشگاه بوده است که تحت تاثیر فضای اعتراضی در جامعه و حضور زنان در صف اول مبارزات است. پیوند بین جنبش نوین رهایی زن و جنبش دانشجویی با چنین رویدادهایی آشکارتر خود را نشان میدهد. پیشروی جنبش زنان موجب برجسته تر شدن هر چه بیشتر مطالبات و دغدغه های زنان در جنبش دانشجویی شده است و حتی در سالهای اخیر از منظر مطالبات و خواسته های زنان، ماهیت زنانه تری به جنبش دانشجویی بخشیده است. مستاصل شدن بسیجیان در دانشگاه ها نیز کاملاً قابل درک است. هر چند که این جیره خواران پشتشان به حکومت و دستگامهائیش گرم است، اما دانشجویان معترض این جماعت جیره خوار را همچون حکومتشان به عقب میرانند و آنها را به عجز و لابه مجبور میکنند. این جدال تا سرنگونی حکومت مدام گرم تر و جالب تر میشود.

حکومت اسلامی آل سعود در عربستان با سرکوب و جنایت و آدمکشی عجیب شده است. اینها هر دو از يك جنس و عاملین هالوکاست اسلامی هستند. ضد آمریکایی گری یکی و دوست آمریکا بودن آن دیگری در وحشگیری آنها علیه شهروندان هر دو کشور تاثیر چندانی ندارد. خمیر مایه اعمال جنایت آمیز هر دو دین اسلام و آموزه های قرآن است که مبنای ایدئولوژی دولتی آنها را تشکیل می دهد و در خدمت سیستم چپاول يك باند مفتخور سرمایه دار قرار دارد. نقش دولتهای غربی هم در این وسط این بوده است که این نیروهای سیاه را به جان مردم بیاندازند تا از خطر رشد چپ گرایی در جامعه جلوگیری کنند.

بعضی ها می پرسند که چرا سرو صدایی که بر سر قتل جمال خاشقجی براه افتاد درباره قتل های مشابه در جمهوری اسلامی براه نیافتاد؟ مسئله این نیست که دول غربی و یا مراجع بین لمللی از جنایات جمهوری اسلامی، از به گلوله بستن کارگران بیکار و بمباران سنج در سال ۵۸ گرفته، تا کشتار دانشجویان در "انقلاب فرهنگی" سال ۵۹ و قتل عام هزاران نفر در سالهای ۶۰ تا ۶۳ تا اعدام های تابستان خونین ۶۷، و قتل های زنجیره ای در دهه هفتاد و به کشت دادن معترضین اخیر در زندانها، مطلع نبوده اند. مسئله این است که دوره کنونی امکان دخالت مردم را بسیار بیشتر از قبل فراهم کرده است و هر جا که خود مردم و بشریت متملن به میدان آمده اند آنوقت زبان انسانیت سخن گفته است و نه منافع و مصالح کاسبکارانه تجاری و

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

فراخوان رانندگان کامیون به اعتصاب سراسری

رانندگان کامیون و کامیونداران مجدداً فراخوان به اعتصاب سراسری داده اند. اعتصاب آنان از دهم آبانماه آغاز میشود و آزادی فوری رانندگان بازداشتی اولین خواست اعلام شده آنان است. این چهارمین دور اعتصاب رانندگان کامیون و کامیونداران است و آنها در فراخوان خود اعلام کرده اند که با قدرت تر از همیشه وارد اعتصاب سراسری خواهند شد و تا آزادی ۲۶۲ همکار بازداشتی شان به اعتصاب خود ادامه خواهند داد. رانندگان کامیون با اعلام اینکه دولت به هیچ کدام از قولهایی که داده است، عمل نکرده و خواستهایشان پاسخ نگرفته است، پیگیری مطالباتشان هستند و حرفشان اینست که دستگیری و بازداشت نمیتواند مانعی برای ادامه اعتراضات آنان در دفاع از زندگی و معیشتشان باشد. این فراخوان از سوی اتحادیه تشکلهای کامیونداران و رانندگان سراسری کشور داده شده است.

اعتراض رانندگان کامیون بطور واقعی اعتراض به کل سیستم فاسدی است که سبب شده است علیرغم کار سخت و زیان آور، آنها همواره از درآمدی بسیار پایین و زیر خط فقر برخوردار باشند و گرانی روزافزون نیز هر روز وضعیت زندگی آنان را نابسامان تر کرده است. رانندگان کامیون خواستهای اعتراضی خود را در هفته بند اعلام کرده اند و رؤس اصلی اش اعتراض به گرانی، مشکل تهیه لاستیک و وسایل کامیون، حقوقهای زیر خط فقر، اختلاسها، تعویق پرداخت حقوقها، بیکاری و ناامنی شغلی، ناامنی جاده ها و محرومیت از داشتن حق تشکل است. رانندگان کامیون هدف خود را پایان دادن به بساط ظلم، اختلاس ها و نابرابری اعلام کرده اند.

دور قبلی اعتصاب رانندگان

کامیون از اول مهر ماه آغاز شده بود و در ۲۱ مهرماه با وعده عملی شدن سه بند از خواستهایشان موقتا خاتمه یافت. آنها در بیانیه پایانی اعتصابشان بر اجرای تمامی خواستهایشان و آزادی همکاران بازداشتی خود تاکید کرده بودند. اما نه تنها به خواستهای آنان پاسخی داده نشد و همکارانشان در بازداشت باقی ماندند، بلکه تهدیدات علیه کارگران بازداشتی شدت گرفت. در پاسخ به این وضعیت است که رانندگان کامیون و کامیونداران در تدارک دور جدید اعتصاب سراسری خود هستند.

اعتصاب سراسری رانندگان کامیون و کامیونداران در دور قبل دامنه اش به ۳۲۰ شهر رسید. آنها طی ۲۱ روز اعتصابی قدرتمند، مدرن و سازمانیافته را به پیش بردند که درسهای ارزنده ای برای خود این کارگران و کل جنبش کارگری داشت. از همین رو فراخوان دوباره آنها به اعتصاب همچون یک اتفاق مهم به موضوع بحث بخش های مختلف مردم تبدیل شده است و از آن سخن میگویند.

یک دستاورد مهم اعتراضات رانندگان کامیون جلو آوردن گفتیمان اعتصاب سراسری به عنوان یک شکل موثر و قدرتمند اعتراض و گذاشتن راه در مقابل کل جامعه است. از جمله بدنبال اعتصاب سراسری آنان، معلمان در دو روز ۲۲ و ۲۳ مهرماه دست به اعتصاب سراسری زدند و اعتصاب آنان خواست تحصیل رایگان برای همه را در راس خواستهای کل جامعه قرار داد. در بیست و چهارم مهرماه نیز بازنشستگان تجمع سراسری داشتند و در بخش های دیگر جامعه هم در اعتراض به وضع فلاکتبار موجود و خصوصاً گرانی روزافزون و به تباہ رفتن هر روزه زندگی و معیشتشان، گفتیمان بر سر رفتن بسوی اعتصاب سراسری هر روز داغ تر میشود. بدین ترتیب جامعه دارد با خواستهای اعتراضی اش هر روز سازمانیافته تر و گسترده تر به میدان می آید.

رانندگان کامیون با فراخوان به

اعتصاب سراسری و با اعلام خواست آزادی ۲۶۲ همکار بازداشتی شان به عنوان اولین خواست خود، قدمی دیگر به جلو گذاشتند و با این کار بطور واقعی در برابر کل جامعه راه نشان دادند.

بویژه رژیم اسلامی در مقابله با فضای پر تلاطم جامعه میکوشد دست به سرکوب بیشتری بزند. از جمله دست به آدم ربایی میزند، احکام سنگین زندان میدهد، حکم شلاق صادر میکند و بطور مثال راننده کامیون اعتصابی را تهدید به اعدام میکند. پاسخ فوری به این سرکوبگری های وحشیانه گسترش اعتراضات کارگری و متحد شدن صف مبارزات کارگران و همه مردم است. با این نیرو است که میشود این ابزار را از دست حاکمیت گرفت. از همین رو فراخوان رانندگان کامیون به اعتصاب سراسری و اعلام اینکه با قدرت و یکپارچه به میدان خواهیم آمد و همکارانمان را آزاد میکنیم، یک پاسخ درخور و راهگشاست. و اینها همه گفتیمان های مهمی است که به کل جامعه راه نشان میدهد و بطور واقعی جنبش سرنگونی را گام بزرگی به جلو میبرد. همچنین این اتفاقات تاکیدی دیگر بر اینست که اعتصاب عمومی یک راهکار مهم برای جلو بردن بیشتر اوضاع به نفع مبارزات کل جامعه است.

اعتصابی که همبستگی

وسیع جهانی را همراه دارد
محورهای مشترکی چون اعتراض به گرانی، به تورم، به تبعیض و نابرابری و اعتراض به کل بساط دزدسالار سرمایه داری حاکم اعتراضات رانندگان را به بخش های دیگر جامعه پیوند میدهد. از همین رو اعتصاب قدرتمند آنان در بیش از ۳۲۰ شهر در دور قبل اعتراضاتشان، آنچنان ابعاد اجتماعی گسترده ای به خود گرفت که موجی از همبستگی را حول خود شکل داد و ابعاد بین المللی این همبستگی ها بیسابقه بود. در ایران گروههای هزاران نفره مدیای اجتماعی اخبار این اعتراضات را لحظه ای پوشش دادند و در حمایت



حمایت کردند. "پلاتفرم سندیکاهای کارگری سوئد" نیز در بیانیه ای دستگیری رانندگان و کامیون داران اعتصابی را محکوم کرده است. این همبستگی ها ادامه دارد. حزب کمونیست کارگری نیز کارزاری جهانی در حمایت از اعتراضات رانندگان کامیون و برای آزادی رانندگان بازداشتی اعلام کرده است. همچنین کمپین برای آزادی کارگران زندانی، این موضوع و تشدید سرکوبگریهای حکومت بر روی کارگران و فعالین اجتماعی را در دستور کار خود قرار داده است. از جمله در همین هفته اتحادیه کارگران کانادایی طی بیانیه ای اعدام، شلاق و امنیتی کردن مبارزات در ایران را محکوم کرد و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران، معلمان و تمامی زندانیان سیاسی شد.

چنین ابعادی از همبستگی مبارزاتی در سطح جامعه و در سطح جهانی اتفاقی شورانگیز و پشتوانه ای محکم برای اعتصاب قدرتمند رانندگان کامیون در دهم مهر ماه خواهد بود و بطور واقعی اعتراضات کارگران و کل جامعه را در موقعیت بسیار قویتری قرار میدهد. سازمان دادن کارزاری قدرتمند و جهانی و تحت فشار قرار دادن رژیم اسلامی برای آزادی رانندگان بازداشتی، حمایت از مبارزات و خواستهای رانندگان کامیون و موفقیت اعتصاب آنان، یکی از اقدامات مهم در عقب زدن سرکوبگری های حکومت است و باید این موضوع امر همه کارگران و همه مردم در سطح جامعه باشد.

اعتراضات گسترده علیه دستمزدهای به سرقت رفته

جایگاه و زمینه های اعتصاب عمومی ...

از صفحه ۳

رانندگان دستگیر شده است دوباره دست به اعتصاب بزنند.

در مورد معلمان هم شاهد ادامه مبارزات آنها علیرغم تمام تمهیدات و اعمال فشارهای حکومت هستیم. تجمعات و اعتصابات کارگران، معلمان، بازنشستگان، رانندگان، مالباختگان و سایر بخشهای جامعه شکل مستمر و پیاپی به خود گرفته است و هر بار هم حکومت تمام امکانات جهنی اش را برای مقابله با آنها به کار برده است.

به نظر من جامعه از مرز ارباب گذشته است. ارباب دیگر کارائی سابق را ندارد. حتما سرکوب تاثیر دارد ولی نه در آن حد که بتواند مبارزات را متوقف کند. حتی تمهیدات و اتهام زنی ها و ترندهای تبلیغی حکومت نظیر منسوب کردن اعتراضات به توطئه "اجانب" و آمریکا و اسرائیل کاملا بی اثر شده است. شعار "دشمن ما همین جاست دروغ میگویند آمریکا است" بیانگر همین واقعیت است.

در یک سطح کلی و عمومی تر باید توجه داشت که اعتصاب اسلحه ای هست که در عین اینکه اقتصاد حکومت را فلج میکند سرکوب آن آسان نیست. به تجمعات و به تظاهرات میشود حمله کرد اما به اعتصاب نمیتوان براهتی یورش برد و با گاز اشک آور و باتوم و گلوله به جنگ آن رفت. بخصوص وقتی اعتصابی مثل اعتصاب رانندگان و یا معلمان سراسری باشد. نه تنها اعتصاب عمومی به راحتی قابل سرکوب نیست بلکه حتی میتواند در اعتراض به سرکوبگری شکل بگیرد. در جامعه ای که در تب و تاب انقلاب به سر میرود اعتصاب یک شکل رایج و عملی موثر اعتراض به حمله نیروهای انتظامی به اشکال دیگر مبارزه مثل تظاهرات و تجمعات و حتی در مخالفت با حکومت نظامی است.

محمد کاظمی: اجازه بدهید در مورد مکانیسم شکل گیری و پیشروی اعتصاب عمومی کمی

بیشتر صحبت کنیم. اعتصابات کارگری در اعتصاب عمومی چه نقشی ایفا میکند؟ آیا باید طبقه کارگر کلیلد اعتصاب عمومی را بزند و یا ممکن است اعتصاب عمومی از جای دیگری شروع شود؟

حمید تقوایی: اعتصاب اساسا اسلحه طبقه کارگر است. شما در هیچ جامعه ای نمی بینید که در شرایط عادی اقشار غیر کارگر اعتصاب کنند. حداکثر ممکن است دانشجویان اعتصاب کنند که آن هم نشانه ای از بحران سیاسی است. نظیر شرایط فرانسه در سال ۱۹۶۸ که دانشجویان و کارگران دست به اعتصاب سراسری زدند. آن شرایط استثنائی بود. ولی برای کارگر اعتصاب یک استثنا نیست بلکه یک شیوه رایج مبارزه در هر شرایطی است. اعتصاب اسلحه طبقه کارگر است و اعتصاب همه جا با کارگر تداعی میشود.

ازینرو نفس اینکه در شرایطی مثل شرایط امروز جامعه ایران اعتصاب عمومیت پیدا میکنند نشاندهنده جلب و عطف توجه جامعه به شیوه های رادیکال مبارزات کارگری است. این واقعیت نشان میدهد که کارگر دارد به مرکز صحنه سیاست رانده میشود. این یک ویژگی شرایط انقلابی است. در این شرایط همانطور که امروز شاهد هستیم حتی شوراها بیشتر مطرح میشوند. شوراها ابزار جنبش کارگری هستند. بویژه زمانی که جنبش کارگری از مطالبات صنفی فراتر میرود به شورا روی می آورد. مطرح شدن گفتمان شورا در کل جامعه و تداعی آزادی و دخالت در امور جامعه با شوراها نیز جنبه دیگری از مطرح شدن آرمانها و ایده های رادیکال کارگری در سطح کل جامعه است.

همه اینها بیانگر بالا رفتن ثقل جنبش کارگری در جامعه است. این را هم باید اضافه کرد که نهایتا این جنبش کارگری است که با اعتصاب اقتصاد را میخواباند و رژیم را فلج میکند. در ۵۷ نیز نهایتا این اعتصاب کارگران صنعت نفت بود که کمر رژیم شاه را شکست. و همه

جامعه هم این را دید و با شعار "کارگر نفت ما رهبر سر سخت ما" به استقبال آن رفت. امروز هم مردم به کارگران در بخشهای کلیدی امید بسته اند چون میدانند وقتی کارگران در این بخشها دست به اعتصاب بزنند کل حکومت و نظام حاکم در آستانه سقوط قرار خواهد گرفت. بنابراین از نظر اقتصادی و شرایط عینی هم طبقه کارگر نقش تعیین کننده ای در اعتصاب عمومی ایفا میکند.

محمد کاظمی: چطور باید اعتصاب عمومی را تدارک دید؟ حمید تقوایی: اعتصاب شکل مبارزه است. یک جهتگیری و سیاست و هدف عمومی و فراگیر باید وجود داشته باشد که حول آن اعتصاب عمومی پا بگیرد. اولین نکته اینست که مردم خواهان چه هستند؟ کارگران و توده مردم چه خواستهائی دارند؟ تا وقتی کارگر و اقشار مختلف مردم فقط برای خواستههای صنفی خودشان مبارزه میکنند شرایط هنوز برای اعتصاب عمومی فراهم نشده است. ولی وقتی کارگر نه فقط علیه دستمزدهای نازل بلکه علیه فقر و فلاکت در جامعه اعتراض میکند (مثلا با شعار حقوقهای نجومی فلاکت عمومی) و کلا این نوع

شعارها و خواستهها در جامعه مطرح میشود اعتصاب عمومی نیز در چشم انداز قرار میگیرد. بنابراین اولین عاملی که باید مورد توجه نیروهای انقلابی قرار بگیرد طرح و گسترش شعارها و خواستهها و کلا جهت گیری و افقی است که بخش وسیعی از مردم را در بر میگیرد و کل سیستم موجود و حکومت را بچالش میکشد. هر چه نقد ریشه ای و جامع حکومت و نظام موجود، نظیر نقدی که حزب ما نمایندگی میکند، در جامعه بیشتر رواج پیدا کند و به یک گفتمان عمومی تبدیل بشود به همان میزان به اعتصاب عمومی نزدیک تر خواهیم شد. رادیکالیزه کردن اعتراضات و خواست توده مردم بویژه در نقد و نفی وضع موجود، آنچه ما در ادبیات حزبی "تعمیق نه مردم" می نامیم، یک گام مهم در تدارک اعتصاب عمومی است.

جنبه دیگر سازماندهی اعتصاب است. امروز استفاده از مادیای اجتماعی و ارتباطات سراسری که بین فعالین جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی، جنبش علیه اعدام و غیره ایجاد شده نقش تعیین کننده ای در شکل گیری اعتصابات ایفا میکند. بعنوان نمونه اعتراضات اعتصاب سراسری معلمان بدون استفاده از مادیای اجتماعی امکان پذیر نبود. در مورد بازنشستگان و رانندگان نیز به همین ترتیب. فعالین از طریق مادیای اجتماعی تبادل نظر میکنند، شعارها و مطالبات را تعیین میکنند، هم نظر و هماهنگ میشوند و فراخوان میدهند. گسترش این شیوه استفاده فعال از مادیای اجتماعی یک جنبه دیگر تدارک اعتصاب عمومی است.

از نقطه نظر سازماندهی اعتصاب، رهنمود مشخص حزب ما در این زمینه تشکیل شوراهای سازماندهی مبارزات است که میتوانند ظرف و ابزار اتحاد و هماهنگی فعالین جنبش سرنگونی طلبانه جاری باشند. در امر سازماندهی این شوراها نیز باید مادیای اجتماعی را فعالانه بکار گرفت.

محمد کاظمی: مضمون و جهتگیری سیاسی اعتصابات و کلا مبارزات معمولاً بوسیله احزاب و نیروهای انقلابی نمایندگی میشود. نقش احزاب سیاسی در تدارک اعتصابات چیست؟ آیا یک درجه ای از نفوذ این احزاب برای شکل گیری اعتصاب عمومی لازم نیست؟

حمید تقوایی: حتما همینطور است. من به مضمون و خط و جهتگیری اعتصابات اشاره کردم. این را احزاب شکل میدهند. منظورم این نیست که اعتصاب کنندگان لزوما عضو این و یا آن حزب هستند و بنا بر فراخوان حزبی اعتصابی براه می اندازند و یا در اعتصابات شرکت میکنند. این هم ممکن است اتفاق بیفتد (نظیر اعتصاب عمومی که چند هفته پیش در کردستان صورت گرفت) ولی موضوع اجتماعی تر و پایه ای تر است.

حزبی مثل حزب ما مدام بر

ضرورت انقلاب برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی تاکید کرده است، ده امر انقلاب و منشور انقلاب را منتشر کرده است، خواستههای فوری مردم را فرموله و تدوین کرده است، سرنگونی جمهوری اسلامی و پیروزی انقلاب را به نحو ریشه ای و جامعی تعریف و اعلام کرده است. اعلام کرده است که چه اقدامات و سیاستهای ضامن رهایی و آزادی است و تعهد به آنها حتی در میان نیروهای اپوزیسیون سره را از ناسره جدا میکند. رواج اینها در جامعه، که امروز در شعارها و طومارها و بیانیه های متعددی منعکس میشود، ثمره کار احزابی نظیر حزب ما و نشانه جایگاه و نفوذ اجتماعی آنست.

در یک سطح پایه ای تر در ایجاد شرایط انقلابی حاضر کارزارها و مبارزات پیگیر حزب ما بعنوان نمونه علیه اعدام و سنگسار و علیه جنبش اسلام سیاسی، در حمایت از پناهندگان، علیه آپارتاید جنسی، در دفاع از حقوق کودک و غیره و غیره نقش مهمی داشته است. این فاکتورها همه در حرکت جامعه به سمت اعتصاب عمومی دخیل و سهمیم هستند.

کلا امروز در جامعه ایران در برابر جمهوری اسلامی دو افق مطرح است. خط و جهتگیری نیروهای راست نظیر سلطنت طلبها و افق و سیاست نیروهای چپ و کمونیست نظیر حزب ما. اعتصاب امر و شیوه مبارزه نیروهای چپ است. نیروهای اپوزیسیون راست همیشه و بطور سیستماتیک طرفدار تغییر از بالا و رژیم چنچ و غیره بوده اند و الان همه به ترامپ دخیل بسته اند. این استراتژی کل راست است. در مقابل، جنبش و احزاب چپ اساسا بر انقلاب و بزیر کشیدن حکومت بقدرت انقلاب مردم و نقش برجسته اعتصابات بخصوص اعتصابات کارگری و کلا جنبشها و اعتراضات اجتماعی علیه تبعیض و نابرابری و بیحقوقی تاکید و اتکا میکنند.

توده مردم نیز با آرمانها و ارزشهای انسانی چپ پا به انقلاب

کارگران در هفته ای که گذشت

از صفحه ۶

دستمزدهای پرداخت نشده یک پدیده رایج در جامعه و گوشه ای دیگر از بساط دزدسالاری سرمایه داری حاکم است. در این سیستم دزد سالار ماهها و حتی بیش از یکسال دستمزد توافق شده و دیگر تعلقات شغلی و حتی حق بیمه کارگر پرداخت نمیشود و با این کار نرخ استثمار به بی نهایت رسیده است. با این شکل از چپاول و دزدی زندگی و معیشت بخش عظیمی از کارگران و حتی بسیاری از بازنشستگان، معلمان، پرستاران و بخش های دیگر حقوق بگیر هر روزه به یغما می رود. جالب اینجاست که قوانین و کل دستگاه قضایی و سیستم حکومتی نیز در خدمت این بساط دزد سالار است. در مناطقی تحت عنوان "مناطق ویژه اقتصادی" همچون عسلویه و مراکز وابسته به نفت، وضع بسیار بدتر است و محیط های کار به شکل اردوگاههای اجباری کار درآمده است و در بهترین حالت هر ۴ ماه یکبار دستمزد کارگران پرداخت میشود. در این سیستم وقتی کارگر به خاطر دستمزدهای پرداخت نشده اش، به خیابان می آید و اعتراض میکند، کار او اقدام علیه امنیت" و شعارهای اعتراضی اش "تبلیغ علیه نظام" خوانده میشود و با همین عناوین دستگیر و زندانی میشود و برایش احکام اخراج و حبس صادر میشود. در هنگام اعتصاب و تجمعات اعتراضی نیز کارفرما با همدستی حراستی ها و نیروی انتظامی مقابل کارگر می ایستد و زور میگوید.

از همین رو اعتراض علیه این بساط دزدی و چپاول به یک موضوع دائمی اعتراض در جامعه تبدیل شده است و در این جدال کارگران با کل سیستم سرمایه داری حاکم درگیرند. گستردگی این اعتراضات بسیاری از محیط های کارگری در شهرهای مختلف را به کانون های داغ اعتراضی تبدیل کرده و تاثیرات خود را بر فضای سیاسی شهرها گذاشته است. در این اعتراضات کارگر با خواست

پرداخت فوری طلبهایش به خیابان می آید و با شعارهای اعتراضی اش کل بساط چپاول و دزدی را به چالش میکشد و اعتراضش به فاصله عظیم طبقاتی حاکم در جامعه و حقوقهای نجومی مشتی دزد و غارتگر است. اعتراضات قدرتمند کارگران هفت تپه، گروه ملی، هپکو، آذرب ارک، بازنشستگان، معلمان، بازنشستگان صنایع فولاد، ایران ترانسفو نمونه های درخشانی از چنین اعتراضات در دو سه ساله اخیر است. اخبار اعتراضی کارگری در هفته ای که گذشت یک محور اصلی اش همین موضوع بود. از جمله مواردی از این اعتصابات عبارت بودند از: اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگران راه آهن هرمزگان در دوم آبانماه، بخاطر پرداخت نشدن نیمی از دستمزد برج های ۴ و ۶، اعتصاب کارگران پالایشگاه گاز بیدبلند بهبهان در اعتراض به پرداخت نشدن ۶ ماه حقوق، اعتصاب کارگران فضای سبز شهرداری منطقه ۱ اهواز در اول آبانماه در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها و برخی تعلقات دیگر شغلی، اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگران شرکت ول سرویس ایران در اهواز در ۲۹ مهر در اعتراض به تعویق پرداخت ۷ ماه مزد و عیدی و پاداش سال ۹۶ و حق بیمه، تجمع آتش نشانان شادگان مقابل استانداری در بیست و هشتم مهرماه در اعتراض به تعویق پرداخت ۹ ماه دستمزد در مقابل استانداری خوزستان، اعتراضات گسترده کارگران پیمانکاری در منطقه ویژه پارس و...

این درحالیست که در گروه ملی صنعتی فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه بخاطر تعویق پرداخت حقوقها و عملی نشدن قولهای داده شده، زمزمه های اعتراض شدت گرفته است. گستردگی اعتراض بر سر دستمزدهای به سرقت رفته در شهرهای مختلف بستر مناسبی برای رفتن بسوی اعتصابات سراسری را فراهم کرده است. از جمله کارگران راه آهن، تجربه

اعتصابات سراسری را دارند و در چندمین نوبت بصورت سراسری دست به اعتراض زده اند. همچنین در مراکز چون نیشکر هفت تپه و گروه ملی کارگران گامهای بیشتری به جلو برداشته اند. در این مراکز تاکید آنها بر ایجاد شوراهای مستقل کارگری به عنوان ابزار اعمال اراده مستقیم خود کارگران و وارد عمل شدن متحد و قدرتمندشان مورد تاکید قرار گرفته است. به این اعتبار اعتراض علیه تعویق پرداخت دستمزدها از یکسو جایگاه مهمی در فعالتر نگاه داشتن فضای اعتراض شهرها و

تغییر توازن قوا به نفع مبارزات همه مردم داشته است و از سوی دیگر جنبش کارگری را در عرصه سازمانیابی اعتراضات گامهای مهمی به جلو برده است. باید این پیشروی ها را به رسمیت شناخت. اعتراض سراسری علیه بالا کشیدن دستمزد ها و ایجاد شوراهای مستقل کارگری و تدارک سازمانیافته این اعتراضات یک گام به جلو در این مبارزات است. نپرداختن به موقع دستمزدها یک جنایت آشکار در حق کارگران و خانواده های کارگری است و باید جرم محسوب شود. باید تمام

جایگاه و زمینه های اعتصاب عمومی ...

از صفحه ۶

میهنی- مذهبی نیروهای راست مخالف است. این نیروی اجتماعی هم نهایتا محصول فعالیت های احزاب چپ نظیر حزب کمونیست کارگری است و هم نقطه قدرت و نیرو دهنده به این احزاب.

محمد کاظمی: بعنوان آخرین سؤال فکر کنید اعتصاب عمومی آغاز شده و در جریان است. نقش احزاب انقلابی نظیر حزب کمونیست کارگری ایران برای تقویت و پیشبرد اعتصاب، چه در داخل و چه در خارج کشور، چیست؟

حمید تقوایی: در خارج کشور نقش احزاب کاملا تعیین کننده است. حزبی مثل حزب ما باید مبارزات مردم ایران را در خارج کشور نمایندگی کند و معرف اعتصابات و مبارزات مردم ایران به افکار عمومی جهانیان باشند. بویژه در شرایطی که اعتصابات سراسری و عمومی در ایران در جریان است وظیفه ما سنگین تر میشود. باید اهداف و خواسته های اعتصاب عمومی را به مردم دنیا توضیح داد و حمایت احزاب و نیروهای

آزادخواه و اتحادیه و سازمانها کارگری را جلب کرد. این مطلقا بعهده حزبی مثل حزب ما است و این همیشه بخشی از فعالیت ما در خارج کشور بوده است. ما همیشه سعی کرده ایم معرف و نماینده حرکت های اعتراضی و انقلابی مردم در خارج کشور باشیم و حمایت مردم جهان را جلب کنیم. ما حتی توانسته ایم به این شیوه کسانی را از

میگرداند. هیچ جامعه ای برای تمامیت ارضی انقلاب و یا اعتصاب نمیکند، هیچ جامعه ای برای "لوح کورش کبیر" انقلاب نمیکند، هیچ جامعه ای برای سفت کردن کمربندها و نسخه ریاضت کشی اقتصادی بانک جهانی دست به اعتصاب و انقلاب نمی زند. توده مردم علیه فقر و تبعیض و دره عظیم بین فقر و ثروت، علیه حقوقهای نجومی و فلاکت عمومی، علیه بردگی مزدی، و علیه بیحقوقی ها و نابرابری های جنسیتی و قومی و مذهبی و کلیه مصائب ناشی از نظام ضد انسانی سرمایه که در ایران جمهوری اسلامی حافظ و پاسدار آنست، اعتراض و مبارزه میکنند. برای اینهاست که انقلاب شکل میگیرد و اینها گفتن احزاب چپ است. حزبی مثل حزب ما این پرچم را در دست دارد. به این معنی در یک سطح اجتماعی و وسیع احزاب تعیین کننده هستند.

در جامعه ایران نیروی عظیمی وجود دارد که آنها باید "چپ اجتماعی" نامید. نیروئی که لزوما خودش را مارکسیست نمیداند و یا عضو احزاب چپ نیست ولی نیروئی است با خواسته ها و آمل رادیکال انسانی و خواهان آزادی و رهائی و برابری. نیروئی که ضد مذهب است، "مرز پرگهر" و جان باختن در راه پرچم و میهن را قبول ندارد و با ارزشها و مقدسات ملی-

طلبهای کارگران فوراً پرداخت شود و بابت دیرکرد پرداخت مزد به کارگر خسارت پرداخت شود. این خواستها باید رتوس اعتراضات سراسری کارگری برای نقد کردن دستمزدهای به سرقت رفته باشد. خواست واقعی کارگران پایان دادن به کل این بساط توحش و بربریت سرمایه داری حاکم است. جمهوری اسلامی با کلیه قوانین ضد کارگری و دستگاه قضایی و کل بساط دزدسالارش باید گورش را گم کند و برود.

اعدام و سنگسار نجات بدهیم از پناهندگان حمایت کنیم و پذیرش آنها به کشورهای غربی را تسهیل کنیم و غیره. در قبال اعتصاب عمومی وظایف و فعالیت های ما در خارج کشور چندین برابر سنگین تر و مهم تر میشود.

در خود ایران حزب ما وظیفه دارد با تمام توان و امکانات خود از سرکوب اعتصاب و از قیچی کردن و ناتمام گذاشتن و شکستن اعتصاب بوسیله حکومت جلوگیری کند. موظف است حمایت بخش هر چه وسیعتری از مردم، مردمی که در اعتصاب نیستند ولی همان خواستها و اهداف را دارند، را جلب کند و نیروی متحد کننده جامعه باشد.

معمولا در اعتصابات بویژه اعتصابات بخشهای خدماتی مانند حمل و نقل عمومی و یا معلمان و پرستاران و کارگران شهرداری و غیره رژیم تلاش میکند بقیه جامعه را بر این اساس که زندگی اجتماعی مختل شده است و مردم در فشار قرار گرفته اند و تبلیغاتی از این قبیل در مقابل اعتصابیون قرار بدهد. تلاش میکند اعتصابیون را تحت فشار و پیگرد و بازداشت قرار بدهد و یا در میان اعتصابیون با پذیرش خواست بخشی از آنها تفرقه بیناندازد و غیره. این تلاشها را باید خنثی کرد. حزبی مثل حزب ما باید آماده و مترصد باشد، بموقع به این نوع اقدامات حکومت برخورد کند، افشاکرگی کند و اجازه ندهد این نوع تلاشها به تضعیف و یا عقب راندن و به شکست کشاندن اعتصاب منجر بشود.

حقیقت و جنایت در حاشیه قتل فوجیانہ جمال خاشقچی

علی جوادی

چرا خاشقچی را کشتند؟

جمال خاشقچی را به دستور محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی وحشیانه به قتل رساندند. با وقاحت تمام و از قرار بدون نگرانی چندانی از پی آمدهای چنین جنایتی. یک جنایت از پیش برنامه ریزی شده و با تمام وسائل و ابزارهای لازم برای انجام آن. یک قتل و کشتار دولتی. توجهیات و بهانه های مسئولین حکومت عربستان احمقانه تر و کودنانه تر از آن هستند که حتی جیره خواران و مبلغین این حکومت را قانع کند.

خاشقچی یک منتقد رادیکال حکومت عسرتیتی عربستان سعودی نبود. رادیکال نبود. آزادیخواه نبود. برابری طلب نبود. او دلسوز حکومت عربستان بود. از بسیاری از سیاستهای محمد بن سلمان دفاع میکرد. او یک منتقد درباری حکومت بود. پس چرا کشتند و تکه تکه اش کردند؟

خاشقچی قربانی تلاش محمد بن سلمان برای خفه کردن جامعه ای شد که شاهد نقطه جوشهایی از آن برای خلاصی از حکومت عقب مانده و تا مغز استخوان حاکم بر عربستان هستیم. خاشقچی را کشتند تا به دیگران، به هر منتقدی، بگویند که سرنوشت هر درجه از انتقادی، حتی ذره ای انتقاد با خشونت و آدمکشی و قطعه قطعه شدن با مدرنترین وسایل مواجه خواهد شد. نابودی خاشقچی پلکانی برای به بند کشیدن جامعه در حال تکان عربستان سعودی و حلقه ای برای تحکیم قدرت این دیکتاتور تازه کار عربستان است. این اوباش در عربستان با شمشیر در ملاء عام گردن میزنند، در خارج در سفارتخانه شان با انواع وسایل شکنجه قطعه قطعه میکنند.

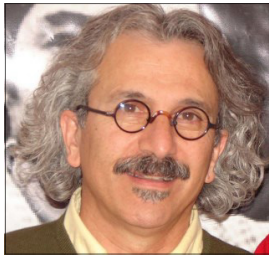
دادن به این اسکاندال بین المللی اشاره کرد.

قتل وحشیانه خاشقچی به نوعی در مرکز رقابتها و کشمکشهای منطقه ای و جهانی قرار گرفت. جدال عربستان و ترکیه در قبال تغییر و تحولات منطقه. کشمکش آمریکای ترامپ و اروپا. کشمکش میان جناحهای هیات حاکمه آمریکا و رسانه های جانبدار هر کدام از این جناحها. اما چگونه؟

از ترامپ و هیات حاکمه آمریکا باید شروع کرد. شارلاتان بساز و بفروش حاکم بر هیات حاکمه آمریکا با وقاحتی تمام تلاش کرد تا جنایت عربستان را با توجه به معامله تجاری و نظامی و بند و بست میان این دو کشور طاق بزند و توجیه کند. نتوانست! حقیقت گویا تر بود. مقارمتهای اولیه و گرد و خاکهای دستگاه کاخ سفید موثر واقع نشد. دستگاه تبلیغاتی و عوامفریبی دولت حاکم به راهنمایی آمرین چنین جنایتی برآمدند. عربستان خطوط تبلیغاتی چگونگی توجیه این جنایت را از کاخ سفید تحویل گرفت. اما هر مصاحبه ای گوشه ای از این جنایت را بر ملا میکرد.

رجب اردغان از قرار پیروز این جنایت است. باجگیری که از اطلاعات موجود در دستگاه امنیتی اش در این جنایت در پی بهره برداری حداکثری است. چه از آمریکا و چه از عربستان سعودی. ذره ای به دنبال افشا و برملا سازی ابعاد این جنایت نیست. هر اطلاعاتی، هر فیلمی، هر گزارشی تنها و تنها بمنظور کسب امتیاز در معاملات کثیف سیاسی این نمایندگان سرمایه است.

به این مجموعه باید جدال ترامپ و حواریونش با رسانه های اصلی در آمریکا را نیز اضافه کرد. سی ان ان در محور این



جدال قرار دارد. جدالی که بخشا برای خاموش کردن هر صدای منتقدی در جدال جناحهای هیات حاکمه در آمریکاست.

مجموعه این عوامل یک جنایت هولناک را که بعضا رکن حاکمیت بسیاری از حکومتهای موجود است، به راس خبرهای جهانی رساند و تبدیل به یک اسکاندال جهانی کرد.

حقیقت و جنایت

اما آنچه در میان این کشمکشها قربانی و گم شده است، حقیقت است. حقیقت یک زندگی که با توحش تمام به پایان غم انگیزی رسید. حقیقت یک قتل وحشیانه که هر بخشی از آن بازیچه دست جریانات و نیروهایی است که میکوشند از

این ماجرا پله ای برای قدرت گیری برای خود دست و پا کنند. هیچ بخشی از نیروها و رسانه های حاکم به دنبال حقیقت نیست. حقیقت، گوشه ای از حقیقت و نه تمام حقیقت، در این جدالها تنها ابزاری برای معامله و تسویه حساب با نیروی رقیب و متخاصم است.

حقیقت را باید از اسارت منافع طبقه و رسانه های حاکم نجات داد. آزادی حقیقت در گرو پایان دادن به سلطه طبقه سرمایه داری حاکم بر جوامع موجود است. و این کار کمونیسم کارگری است.



سخنرانی و گفت و شنود:

راست، چپ و آینده ایران

یکشنبه، ۲۸ اکتبر ۲۰۱۸

فرانکفورت (آلمان)



سخنرانان:

- خسرو آهنگر - سازمان راه کارگر
- رحمان حسین زاده - حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
- نصرت تیمورزاده - حزب کمونیست ایران
- حمید تقوایی - حزب کمونیست کارگری ایران

محل جلسه:

ÖKOHAUS, KASSELER STRASSE 1, Westbahnhof
60486 FRANKFURT AM MAIN

شروع جلسه: ساعت ۳ بعد از ظهر

پیرامون صدور احکام اعدام برای ۵ فعال محیط زیست

محمد شکوهی



مردم را از تعرض همه جانبه به حکومت برای تعیین تکلیف نهایی شان باز ندارد. کار جمهوری اسلامی تمام است. احکام صادره شده اعدام برای دستگیرشدگان و فعالان محیط زیست و همه دستگیرشدگان اعتراضات اخیر باید ملغی گردد. همه دستگیر شدگان بدون قید و شرط باید آزاد شوند.

برای رهایی از بربریت اسلامی سرمایه داران و حکومت دزدان و آدمکشان به پا خواسته است. رژیم اسلامی خیال می کند با صدور احکام اعدام و زندان و... می تواند مردم را به خانه هایشان فرستاده و سدی در برابر اعتراضات رو به گسترش مردم ایجاد نماید. این سیاست عملاً شکست خورده. حکومت توان رویارویی مستقیم با مبارزات مردم را هر روز دارد از دست میدهد. پایه هایش لرزان شده، مبارزات و اعتصابات محاصره اش کرده اند. در یک چنین موقعیتی که رژیم دارد و مردم مترصد فرصت بعدی برای به زیر کشیدن کل بساط حکومت جانیان می باشند، افزایش وحشیگری، جنایت و آدمکشی حکومت هم نخواهد توانست

برابر سیاست کثیف اعدام و زندان حکومت که به عنوان حربه ای برای ایجاد فضا و جو رعب و وحشت در دست حکومت می باشد، باید مبارزه ای گسترده را در دستور گذاشت. فضای و جو جامعه اعتراضی است اعتصابات رانندگان کامیونها، معلمان و یک ماه پیش اعتصاب سراسری مردم در کردستان، در کنار مبارزات هر روز کارگران و اقشار مختلف علیه حکومت با قدرت ادامه دارد. جمهوری اسلامی به صرافت صدور احکام اعدام برای ایجاد ترس و وحشت اقتاده است. این سیاست کثیف حکومت نتوانسته است خللی در عزم و اداره مردم در گسترش مبارزه بر علیه حکومت وارد نماید. جامعه معترض و بشدت رادیکال و با خواسته های انسانی

در منزلش مورد حمله افراط ناشناس قرار گرفته و کشته شده است.

صدور احکام اعدام برای ۵ نفر از فعالان محیط زیست در کنار قتل فرشید هکی جنایات چند روز اخیر جدید جمهوری اسلامی می باشد. این جنایت را باید بشدت محکوم کرد. دستگیر شدگان نامبرده بعد از ماهها زندان، شکنجه و تحمل سختی ها فراوان، حکومت و دستگاه آدم کشی با نامه شمخانی و اداره اطلاعات شورای امنیت ملی رژیم، در یک اقدام جنایتکارانه به اعدام محکوم میشوند. در کنار این جنایت جمهوری اسلامی جعفری معاون جانی مرتضوی از متهمان جنایات کهریزک را برای این دستگیر شدگان به عنوان "وکیل مدافع" تعیین کرده است.

سیاست کثیف دم و دستگاه قضایی حکومت در قبول نکردن وکلای انتخابی برای فعالان محکوم شده محیط زیست، اقدامی دیگر در جهت تسریع روند محاکمات ساختگی دستگیرشدگان و به اجرا گذاشتن احکام اعدام می باشد. سیاستی که مشتکی جانی و جنایتکار همکار، بازجو و شکنجه گر را به عنوان "وکیل مدافع" متهمان تحمیل میکند؛ تکمیل و تسریع حلقه های زنجیر اعدام و کشتار زندانیان سیاسی می باشد. سیاستی که رسماً با وقاحت و بیشرمی تمام قوه قضائیه و کل حکومت از آن دفاع می کنند. اینها جاده صاف کن های صدور احکام اعدام با استناد به قوانین ضد انسانی حکومت

زندان و اعدام بوده و مورد نفرت و انزجار مردم و خانواده های دستگیرشدگان می باشند. لازم به توضیح که هم اکنون هشت فعال محیط زیست به اتهامات واهی از طرف حکومت دستگیر و در زندان می باشند. در چند ماهه گذشته نیز چند تن از فعالان محیط زیست در کردستان و سایر جاهای ایران به طرق مشکوکی به قتل رسیده اند.

خطر اعدام ۵ نفر از فعالان محیط زیست جدی می باشد. در

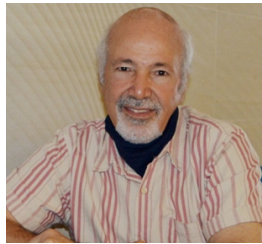
جمهوری اسلامی ۵ نفر از فعالان محیط زیست به نام های مراد طاهباز، نیلوفر بیانی، هومن جوکار، سپیده کاشانی و طاهر قدیریان را به "افساد فی الارض" متهم کرده، بخوان به اعدام محکوم نموده است. محمد حسین آقاسی وکیل بازداشت شدگان در مورد صدور احکام اعدام برای فعالان محیط زیست به «ایران وایر» گفته است: اتهام ۵ نفر از آن ها از جاسوسی به "افساد فی الارض" تغییر کرده است. ماجرا از این قرار بوده است که ارتش مطالبی را در یک نامه به شکل گزارش گونه برای شورای عالی امنیت ملی فرستاده و شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی نامه را برای اطلاع دادستان ارسال کرده است. با توجه به این نامه، اتهام پنج نفر از دستگیرشدگان با نظر دادستان تهران از جاسوسی به "افساد فی الارض" تغییر کرده و کیفرخواست جدید برای آنها صادر شده است. وی در ادامه گفته است: علیرغم این که این افراد وکیل انتخابی داشتند اما وکلایشان را نپذیرفته اند و وکیل تسخیری برایشان گرفته اند.

در همین رابطه خبرگزاری حکومتی ایرنا روز دوشنبه اعلام کرد رضا جعفری، معاون سابق سعید مرتضوی دادستان سابق تهران و سرپرست اسبق دادسرای کارکنان دولت که اکنون از وکلای مورد اعتماد رئیس قوه قضائیه است، به عنوان وکیل متهمان پرونده محیط زیست تعیین شده است. لازم به توضیح است که جعفری بعد از بازنشستگی، پروانه وکالت گرفته و یکی از وکلای مورد اعتماد رئیس قوه قضائیه به شمار میرود.

در خبر دیگر خبرگزاری تسنیم وابسته به وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی به نقل از پزشکی قانونی حکومت ادعا کرد: "فرشید هکی خودسوزی کرده است." این در حالی است که چند روز پیش در مدیای اجتماعی اعلام شد فرشید هکی

افغانستان: چشم انداز قهقرا یا رهایی؟

کاظم نیکخواه



با شرکت در این انتخابات و آن رای گیری با ناامیدی تلاش میکنند راهی برای برون رفت بیابند. در عین حال هر جا خبرگزاریها توانستند با مردم گفتگویی داشته باشند حرف مردم این بود که امید به اینها نیست و اشرف غنی و بقیه دست اندرکاران تعیین میکنند که چه کسی به پارلمان برود و چه سیاستهایی را دنبال کند.

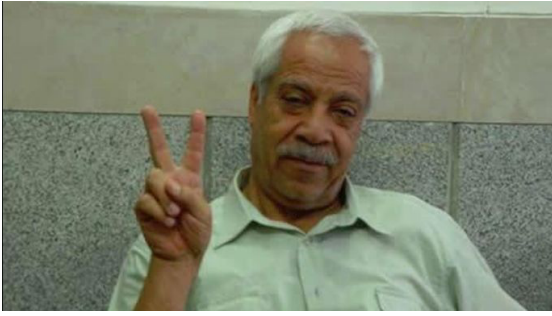
افغانستان در کنار عراق نمونه های بارز فجایع سرمایه داری این قرن هستند. اینها جوامعی هستند که در واقع عملاً یک جامعه نیستند. قلمروهای متعدد ملوک و خوانین و روسای قبایل و باندهای مافیائی مسلح هستند که هر کدام مزدور و کارگزار یک دولت ارتجاعی اند و با گرفتن پولهای کلان از دولت های پاکستان و جمهوری اسلامی و دولت آمریکا و ترکیه و عربستان و قطر و غیره، مردم را با بیرحمی ترور و کشتار میکنند و به هر کدام چند آخوند مرتجع نیز آویزان است که اسلام را برایشان تفسیر و جاری میکنند. مردم افغانستان نیز مثل عراق سالهاست با تلفات و قربانیان بسیار در تلاشند که خود را از باتلاق جنگ و کشتار و ارتجاع و فقر بیرون بکشند. اما موفقیت قابل توجهی

این هفته انتخابات پارلمانی افغانستان با سه سال تاخیر برگزار شد. در خلال دو روز انتخابات پارلمانی چندین عملیات انتحاری و تروریستی علیه شرکت کنندگان در انتخابات توسط جریان های اسلامی صورت گرفت و نزدیک به ۲۰۰ نفر کشته و زخمی شدند. مرگ نزدیک به ۳۰ نفر از قربانیان قطعی اعلام شده است. علت اصلی تاخیر در این انتخابات اساساً بحران دولتی و اختلافات عمیقی بود که بین جناح عبدالله عبدالله و جناح محمد اشرف غنی رئیس جمهور در جریان است. این دو چند سال پیش طی ائتلافی توانستند قدرت را در دست بگیرند و از آن زمان در همه زمینه ها اختلاف داشته اند و اختلافاتشان فضای افغانستان را برای تروریسم جریان طالبان و دیگر گروه های اسلامی فراهم تر نموده است.

با اینکه حضور مردم در انتخابات به نسبتی که در شرایط این کشور انتظار می رود کم نبود و به ۴۵ درصد میرسد، اما مردم امید و انتظاری به پارلمان و نمایندگان شان ندارند. مردم از جنگ و فقر و رقابت دستجات اسلامی خسته شده اند و

مشاهده نمیشود. این انتخابات پارلمانی هم قطعاً بهبود محسوسی در وضعیت ایجاد نخواهد کرد. ظاهر شدن تدریجی چند جریان انسان دوست و رادیکال و چپ که در تلاشند خارج از مدار اسلام و سرمایه داری مسیر دیگری را برای جامعه افغانستان رقم بزنند تنها سوسویی است که از ته تونل تاریک موجود مشاهده میشود. اگر امیدی به آینده این کشورها و بهبود وضعیت زندگی مردم در این کشورهای اسلام زده و ارتجاع زده باشد، همینست که مردم بتوانند خواستها و امیال خود را خارج از مدار رقابت نیروها و دولتهای ارتجاعی شکل دهند و با مبارزه جمعی به باندهای مسلح مزدور تحمیل کنند. و باید امیدوار بود که این امر با حمایت همه مردم انسان دوست و همبستگی جهانی با مردم افغانستان و عراق عملی شود.

تعرض به هاشم خواستار را محکوم میکنیم



میدهد که برخلاف ادعای دستگاه امنیتی هاشم خواستار در سلامت کامل به سر می برد و هیچ گونه سابقه بیماری به جز فشار خون ندارد که آن هم نتیجه زندانی شدن وی در سال ۸۸ است. خانم مالکی در گفتگو با صدای آمریکا ضمن ابراز نگرانی شدید از سلامت آقای خواستار، عنوان میکند که دستگاه امنیتی پیش از این نیز در زمان زندانی بودن این فعال حقوق معلمان پیشنهاد داده بودند تا اعتراف کند که بیماری اعصاب و روان دارد و از زندان آزاد شود. بنا به آخرین گزارشی که امروز سوم آبان منتشر شده بالاخره بعد از مراجعات خانم صدیقه مالکی به دادسرای انقلاب و معاون دادستان و غیره و اظهار بی اطلاعی آنان، بالاخره ساعت پنج بعد از ظهر امروز امکان ملاقات فراهم شده و حال هاشم خواستار خوب بوده است.

بستری است. پس از مراجعه خانواده وی به بیمارستان وساعتها انتظار و گفتگو، به آنها گفته میشود که هاشم خواستار به دستور دادستان بستری و ممنوع الملاقات است. خانواده هاشم خواستار بعد از مراجعه به شعبه ۹۰۳ دادگاه انقلاب مشهد با این پاسخ روبرو میشوند که دلیلی ندارد که آنها وی را بستری و ممنوع الملاقات کنند و از خواستار پرونده ای در این شعبه ندارند. نهایتاً خانواده خواستار درخواست دیدار با "مهتری" رئیس بیمارستان را میدهند. اما مدیر دفتر رئیس بیمارستان اجازه ی ورود آنان به دفتر را نداده و نیروهای انتظامی مستقر در بیمارستان، به کمک حراست بیمارستان خانواده خواستار را از بیمارستان بیرون میکنند. صدیقه مالکی همسر هاشم خواستار در گفتگوهایی که داشته از این خبر

روز اول آبانماه هاشم خواستار دبیر بازنشسته آموزش و پرورش و از اعضای پیشین شورای هماهنگی و کانون صنفی معلمان خراسان که به قصد سرکشی به باغ شخصی، منزل را ترک کرده بود، در مسیر راه توسط عوامل امنیتی حکومت ربوده میشود. گزارشات حاکی از این است که بعد از ساعت ها تاخیر در بازگشت هاشم خواستار به منزل، خانواده وی نگران حال او میشوند و در پیگیریها ماشین او را در بیرون از شهر مشهد و در کنار یک باغ پیدا میکنند. ولی خبری از خود وی بدست نمی آورد و تلفن موبایل او نیز پاسخ نمیدهد.

بعد از پیگیری های بسیار روز چهارشنبه دوم آبانماه به خانواده هاشم خواستار اطلاع داده میشود که او در بخش حاد مردان بیمارستان روانی ابن سینای مشهد

به هر شکل ممکن علیه این اقدام جنایتکارانه فرا میخوانیم. با اعتراضی گسترده، با خبر رسانی و با همراهی و حمایت از خانواده هاشم خواستار و اعلام انزجار از سیاست آدم ربایی حکومت باید تقلائی زبانه حکومت برای به سکوت کشاندن معلمان و مردم معترض را به شکست کامل کشاند.

اما صدیقه مالکی کماکان از بستری بودن همسرش در بیمارستان روانی بدست ابراز نگرانی کرده است. مرجع دستگیر کننده حفاظت اطلاعات سپاه گزارش شده است. حزب کمونیست کارگری ایران ربودن هاشم خواستار و بستری کردن او در بیمارستان روانی را نشانه درمادگی حکومت و وحشت آن از اعتراضات معلمان و بخشهای مختلف مردم میدانند و این اقدام ضد انسانی را شنیدنا محکوم میکنند. ما همه معلمان، بازنشستگان و مردم را به اعتراض

حزب کمونیست کارگری ایران
۳ آبان ۱۳۹۷، ۲۵ اکتبر ۲۰۱۸

خطاب به مقامات سازمان جهانی کار

جمهوری اسلامی چه جنایت دیگری باید بکند که از آی ال او اخراج شود؟

شوند. جهت اطلاع فدراسیون های کارگری بین المللی: فدراسیون بین المللی ترانسپورت (آی تی اف) آموزش بین المللی (ای وان) اتحادیه صنعتی جهانی اتحادیه بین المللی غذا، کشاورزی، هتل، رستوران، تغذیه و دخانیات و انجمن کارگران متحد (آی یو اف) کنفدراسیون اتحادیه های کارگری بین المللی (آی تی یو سی) و اتحادیه های کارگری در کشورهای مختلف

و حتی نقض معاهدات خود آی ال او زیر فشار قرار دهد. میتوانند مانند فدراسیون های بین المللی کارگری جمهوری اسلامی را برای آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه رانندگان و معلمان زندانی و کلیه زندانیان سیاسی تحت فشار قرار دهد. حکومتی که ابتدایی ترین حقوق انسانی از جمله حق تشکیل و اعتصاب و اعتراض را برای کارگران و مردم برسمیت نمیشناسد و استفاده از این حقوق توسط مردم با مجازاتهای سنگین همراه میشود، جایش در آی ال او نیست. ما از همه سازمانهای کارگری عضو آی ال او میخواهیم که در دفاع از حقوق کارگران و مردم ایران، فعالانه از اخراج جمهوری اسلامی از آی ال او دفاع کنند. این نمایندگان واقعی و منتخب کارگران هستند که باید به اجلاس های آی ال او دعوت

سوال مشخص ما از شما این است که برای اخراج جمهوری اسلامی از این سازمان منتظر چه هستید؟ جمهوری اسلامی چند کارگر دیگر را باید آنهم در قرن ۲۱ شلاق بزند، چند معلم دیگر را برای سالهای طولانی در زندان بیندازد، چند صد کارگر دیگر را به جرم تلاش برای متشکل کردن کارگران از کار اخراج کند و به زندان بیندازد و مورد بیرحمانه ترین برخوردها قرار دهد که سازمان جهانی کار دست از مماشات با چنین حکومتی بردارد و سیاست متفاوتی در پیش گیرد؟ ما قویا هر نوع مماشاتی با جمهوری اسلامی را محکوم میکنیم و خواهان اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار هستیم. آی ال او باید بجای مماشات با جمهوری اسلامی، این حکومت را بخاطر پایمال کردن ابتدایی ترین حقوق کارگران

دستگیری بیش از هزار کارگر اعتصابی واحد در سال ۱۳۸۴، پرونده سازی علیه صدها کارگر اعتصابی در چند سال اخیر، زندانی کردن فعالین معلمان و حتی مانور سرکوب جنبش کارگری در میدان شهرها گوشه کوچکی از سیاست های این حکومت بوده است. جمهوری اسلامی اعتصاب و تشکل و تجمع را ممنوع کرد تا شرایط اسفناکی را از نظر اقتصادی به میلیون ها خانواده کارگری تحمیل کند. به موازات اینها اعدام های بیشمار و سنگسار و دست بردن و چشم درآوردن و شکنجه و بیرحمانه ترین سرکوب ها علیه فعالین سیاسی، احزاب و جریانات مدافع حقوق کارگران، زنان و دانشجویان و حتی منتقدین نیم بند حکومت در پرونده این حکومت است. شما مقامات سازمان جهانی کار از همه اینها بخوبی اطلاع دارید.

در جریان اعتصاب ۲۱ روزه رانندگان کامیون در هفته های گذشته ۲۵۶ نفر دستگیر شدند و ۱۷ نفر از آنها توسط دادستان حکومت در شهر قزوین تهدید به اعدام شده اند. تعدادی از معلمان نیز در جریان اعتصاب دو روزه معلمان در هفته گذشته احضار و یا دستگیر شده اند و این سیاست همیشگی جمهوری اسلامی بوده است. شما بخوبی آگاهیید که جمهوری اسلامی چهل سال است بطور سیستماتیک و مستمر مشغول سرکوب جنبش کارگری بوده است. دستگیری و اعدام بسیاری از فعالین کارگری و منحل کردن شوراهای کارگری در دهه ۶۰، شلاق زدن بسیاری از کارگران اعتصابی در سالهای اخیر، به قتل رساندن فعالین کارگری در زندان از طریق بی توجهی به معالجات آنها، اخراج بسیاری از فعالین سندیکاهای هفته تپه و شرکت واحد،

فدراسیون های اتحادیه های کارگری جهانی تقاضای اعدام برای ۱۷ راننده اعتصابی را محکوم میکنند و خواهای آزادی فوری و بدون قید و شرط آنها هستند



جهان قابل قبول نیست که کارگران بخاطر دفاع از حقوق پایه ای و اقتصادی خود اعدام شوند. به همین دلیل ما قویا از شما میخواهیم که تمام اتهامات علیه رانندگان دستگیر شده فوراً و بی قید و شرط لغو شود و سلامت آنها کاملاً تضمین گردد.

ما یادآوری میکنیم که کمیته آزادی تشکل و کمیته کاربرد استانداردها مکرراً به نقض احترام به حقوق پایه ای و معاهدات آی ال او در ایران را مطرح کرده است و در موارد متعددی بیانه ها و توصیه هایی را با توجه به اقدامات حکومت ایران پیش کشیده است.

به همین دلیل ما با دقت و از نزدیک وضعیت کارگران در ایران را دنبال میکنیم و با آی ال او در این رابطه در تماس هستیم و انتظار داریم که حکومت ایران فوراً هرگونه تقاضای اعدام را پس بگیرد و با رهبران رانندگان برای عملی کردن خواستههایشان وارد گفتگو شود. منتظریم که در رابطه با این موضوع فوراً از جانب شما اقدام شود.

با احترام
شارون بارو دبیر کل ای تی یو سی
سو لانگلی دبیر کل ای یو اف
استفن کاتون دبیر کل ای تی اف
داوید ادواردس دبیر کل ای وان
والث سانچز دبیر کل
اینداستریال آل

گزارشاتی که در مورد خواست اعدام توسط دادگاه استان قزوین برای رانندگان کامیون اعتصابی مطرح شده است، شوکه شده ایم. بنا به اطلاعات ما، از ماه مه امسال رانندگان کامیون از حکومت شما خواسته اند که به

خواستههایشان در مورد شرایط کاری بهتر رسیدگی شود و تقاضا کرده اند که در تصمیم گیری هایی که به زندگی آنها مربوط میشود دخالت داشته باشند. نهایتاً از ماه سپتامبر رانندگان کامیون و کامیونداران در در دفاع از معیشت خود و خانواده هایشان دست به اقدام زدند. طی دو هفته گذشته بنا به گزارشها بیش از ۱۵۰ نفر از رانندگان بازداشت شده و هفته گذشته بیش از ۲۵۰ نفر تحت نظر تعقیب قرار گرفتند. سپس در ۸ اکتبر خبرگزاری دولتی ایرنا گزارش داد که در دادگاهی در استان قزوین برای ۱۷ نفر از این رانندگان احتمال تقاضای مجازات اعدام مطرح شده است.

طرح مجازات اعدام آنها برای اعتصاب شنیع ترین و جدی ترین شکل پایمال کردن حقوق کارگران است. تلاش برای بکار گرفتن حادثه ترین و شدیدترین مجازاتها بخاطر فعالیتها محق اتحادیه ای با این هدف که امنیت کشور خود را بالا ببرید برای ما جای نگرانی جدی دارد و نشان میدهد که قوه قضائیه در کشور شما از استقلال برخوردار نیست.

این بهیچ وجه در هیچ کجای

ایران پسیونند و جمهوری اسلامی را به خاطر این سرکوبگری ها محکوم نمایند. جمهوری اسلامی، حکومت اعدام و سرکوب است. جمهوری اسلامی پایه ای ترین حقوق کارگران از جمله حق تشکل، حق اعتصاب و حق تجمع را به رسمیت نمی شناسد و کارگر اعتصابی را تهدید به اعدام میکند. جای چنین رژیمی در سازمان جهانی کار و هیچکدام از مراجع بین المللی نیست. جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج شود.

برای دسترسی به متن نامه فدراسیون اتحادیه های کارگری جهانی در محکومیت دستگیری و تهدید رانندگان اعتصابی به اعدام، به لینک زیر مراجعه کنید. ترجمه فارسی آن ضمیمه است.

<https://www.ituc-csi.org/global-union-federations-denounce>

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۲۷ مهر ۹۷، ۱۹ اکتبر ۲۰۱۸
shahla.Daneshfar2@gmail.com
<http://free-them-now.com>

به آقای خامنه ای

ما از فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری این نامه را به شما مینویسیم. فدراسیون بین المللی ترانسپورت (آی تی اف)، آموزش بین المللی (ای وان)، اتحادیه صنعتی جهانی، اتحادیه بین المللی غذا، کشاورزی، هتل، رستوران، تغذیه و دخانیات و انجمن کارگران متحد (آی یو اف) و کنفدراسیون اتحادیه های کارگری بین المللی که بیش از ۲۰۰ میلیون نفر از کارگران را در سراسر جهان نمایندگی میکنند این نامه را به شما مینویسیم تا اعلام کنیم که از

وارد مذاکره شود. قبلاً نیز "استیون کاتن" دبیرکل فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل طی نامه ای جداگانه شدیداً اظهارات محسن کرمی را محکوم و خواستار مداخله سازمان بین المللی کار آی ال او در این مورد شده بود. همچنین اتحادیه های کارگران حمل و نقل ویرجینیای آمریکا، دانمارک، کانادا و هلند حمایت خود را از مبارزات و خواسته های رانندگان کامیون و کامیونداران در ایران اعلام کرده بودند.

چنین ابعاد جهانی ای از همبستگی از سوی بزرگترین اتحادیه های کارگری جهانی نشانگر انعکاس وسیع بین المللی اعتصاب قدرتمند رانندگان کامیون در ایران است. با اتکاء به چنین ابعاد وسیع همبستگی جهانی کارگری، رانندگان کامیون امروز در موقعیت بسیار قویتری برای جلوگیری از کارزار خود برای آزادی همکاران بازداشتی شان قرار دارند و این برای آنان و تمام کارگران در ایران بسیار امید بخش است.

هم اکنون ۲۵۶ راننده اعتصابی کامیون در بازداشت بسر میبرند. پرونده های آنان برای محاکمه به دادگاه ارسال شده است. از جمله یکی از این رانندگان بازداشتی در شیراز بخاطر شرکتش در اعتصاب تحت عناوین مسخره ای چون اخلاص در نظم عمومی و امنیت، تخریب البسه پلیس به هفت سال و نیم حبس محکوم شده است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (فری دم ناو) از تشکلهای کارگری و نهادهای انساندوست در سراسر جهان خواستار است که به کارزار جهانی برای آزادی رانندگان اعتصابی بازداشتی در

فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری (آی تی یو سی)، فدراسیون بین المللی ترانسپورت (آی تی اف)، آموزش بین المللی (ای وان)، اتحادیه صنعتی جهانی، اتحادیه بین المللی غذا، کشاورزی، هتل، رستوران، تغذیه و دخانیات و انجمن کارگران متحد (آی یو اف) و کنفدراسیون اتحادیه های کارگری بین المللی که در مجموع بیش از ۲۰۰ میلیون نفر از کارگران را در سراسر جهان در بر میگیرند، طی نامه ای شدیدالحن خطاب به خامنه ای خواست اعدام ۱۷ راننده اعتصابی کامیون در ایران توسط دادگاه استان قزوین را محکوم کرده اند. در بخشی از این نامه چنین آمده است:

"طرح مجازات اعدام آنها برای اعتصاب شنیع ترین و جدی ترین شکل پایمال کردن حقوق کارگران است. تلاش برای بکار گرفتن حادثه ترین و شدیدترین مجازاتها بخاطر فعالیتها محق اتحادیه ای با این هدف که امنیت کشور خود را بالا ببرید برای ما جای نگرانی جدی دارد و نشان میدهد که قوه قضائیه در کشور شما از استقلال برخوردار نیست. این بهیچ وجه در هیچ کجای جهان قابل قبول نیست که کارگران بخاطر دفاع از حقوق پایه ای و اقتصادی خود اعدام شوند. به همین دلیل ما قویا از شما میخواهیم که تمام اتهامات علیه رانندگان دستگیر شده فوراً و بی قید و شرط لغو شود و سلامت آنها کاملاً تضمین گردد."

فدراسیون اتحادیه های کارگری جهانی در نامه اعتراضی خود از حکومت ایران خواسته اند که فوراً هر گونه تقاضای اعدام برای این کارگران را پس بگیرد و با رهبران راننده کامیون برای عملی کردن خواستههایشان

اعتراضات گسترده کارگران پیمانکاری در منطقه ویژه پارس

روز ۲۹ مهر کارگران پیمانی منطقه ویژه پارس در اعتراض به ممنوعیت "کار اقماری" که اخراج گسترده ای از کارگران را در پی دارد، دست به اعتصاب زدند. بنا بر خبر از ابتدای آبانماه همه قراردادهای کار اقماری به "روزکاری" تبدیل خواهد شد. با این اقدام شمار بسیاری از کارگرانی که برای کار به مناطق ویژه اقتصادی در جنوب از جمله به عسلویه آمده اند، در خطر بیکارسازی وسیع قرار میگیرند. با این سیاست دولت راهی برای اجرایی کردن بیکارسازیها که ناشی از بست اقتصادی حاکم است، پیدا کرده است. در برابر این تعرضات اعتراضات گسترده ای در این منطقه شروع شده است.

چاهای نفت و گاز که در بیابانها و مناطق صعب العبور مستقر می شوند و یا سکوهایی نفتی در دریا که وظیفه تولید نفت را بر عهده دارند، کاربرد داشته است. اکنون این نوع شیفت کاری ممنوع اعلام شده است. با این تصمیم بسیاری از کارگران که در چنین مناطق سخت و دشواری به کار اشتغال دارند یا باید خانواده های خود را به مناطقی ببرند که هیچ آثاری از شهرت و نیازهای اولیه زندگی در آنها نیست، یا به بیکارسازی تن بدهند. این دو راهی دشواری است که زندگی و معیشت هزاران کارگر پیمانی در مناطق نفتی در جنوب را دچار دست انداز می کند و به خاطر آن کارگران در بخش های بسیاری در عسلویه به اعتراض برخاسته اند.

مناطق ویژه اقتصادی حتی شمول همان قانون کار حکومتی هم نیست و دست کارفرمایان در به بردگی کشیدن کارگران کاملاً باز است. پایین ترین استانداردهای ایمنی و زیستی در این مناطق حاکم است. در این مناطق شکل اصلی استخدام ها پیمانی است و چماق اخراج دائماً بالای سر کارگران است. نکته هشدار دهنده اینست که دولت تلاش می کند که با تفرقه انداختن بین کارگران تحت عنوان بومی و غیر بومی، طرح لغو "کار اقماری" را

اجرای کند. مقابله با طرح لغو کار اقماری میتواند باید سرآغازی برای پایان دادن به کل قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی باشد که تمامی کارگران شاغل در این مناطق را در بر میگیرد. عسلویه و بسیاری از مناطقی که امروز جزو "مناطق ویژه اقتصادی" محسوب میشوند، از جمله کانون های داغ اعتراض در جنبش کارگری هستند. در این اعتراضات کارگران بارها بر خواستهایی چون کوتاه شدن دست پیمانکاران از سر کارگران و تبدیل استخدام آنان به استخدامهای رسمی، متوقف شدن بیکارسازیها و پرداخت بوقوع حقوق کارگران، ایمنی محیط کار، افزایش سطح دستمزدها به بالای خط فقر، برخورداری از حق تجمع و تشکل و داشتن يك زندگی انسانی تاکید کرده اند و این خواستها همه میتواند محور مشترک اعتراضات کارگران در تمام این مناطق باشد. حزب تمامی کارگران بویژه کارگران شاغل در مناطق ویژه اقتصادی را به اعتصابی سراسری برای لغو کل قوانین برده وار حاکم در این مناطق فرا میخواند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ مهر ۱۳۹۷، ۲۲ اکتبر ۲۰۱۸



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party Of Iran

سه اعتصاب کارگری علیه نپرداختن دستمزدها

اعتصاب کارگران فضای سبز شهرداری منطقه ۱ اهواز

روز سه شنبه اول آبانماه کارگران فضای سبز شهرداری منطقه يك اهواز در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها و نپرداختن برخی دیگر مزایای شغلی شان دست به اعتصاب زدند. این کارگران بخشی از نیروهایی هستند که از طریق شرکتهای پیمانکاری در شهرداری اهواز مشغول به کارند و سالهاست که با مشکل نپرداختن به موقع دستمزدها و دیگر طلبهایشان روبرو هستند. طبق معمول شهرداری و پیمانکاران کارگران را پاسکاری میکنند و هیچکدام جوابگویی مساله نپرداختن دستمزد کارگران نیستند. بنا به خبر چند سال است دیگر متعلقات و مزایای شغلی کارگران فضای سبز شهرداری اهواز از جمله حق اولاد، مسکن، سختی کار به آنان پرداخت نشده است. اکثر کارگران حدود ۸ یا ۱۰ سال سابقه کار دارند.

تجمع اعتراضی کارگران شرکت ول سرویس ایران در اهواز

روز ۲۹ مهر کارگران و کلیه کارکنان شرکت ول سرویس ایران که در بخش حفاری چاه های نفت و گاز در اهواز کار میکنند در اعتراض به تعویق پرداخت ۷ ماهه مزد و عیدی و پاداش سال ۹۶ و حق بیمه شان دست از کار کشیده و در مقابل شرکت تجمع کردند. تجمع کنندگان با در دست داشتن پارچه نوشته های اعتراضی خواستار دریافت فوری

معوقات مزدی خود شدند.

تجمع آتش نشانان شادگان مقابل استانداری

روز ۲۸ مهر جمعی از آتش نشانان شهرداری شادگان به نمایندگی از حدود ۳۰۰ نفر از کارمندان و کارگران شاغل در این آتش نشانی در اعتراض به تعویق پرداخت ۹ ماه دستمزد خود مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند.

دستمزدهای پرداخت نشده به پدیده ای رایج در ایران تحت حکومت اسلامی تبدیل شده است. زندگی و معیشت بخش عظیمی از کارگران و حتی بسیاری از بازنشستگان، معلمان، پرستاران و بخش های دیگر حقوق بگیر جامعه با چپاول آشکار دستمزدها به رنج و مشقت بیشتر آنها کشیده میشود. نپرداختن دستمزد توافق شده کارگران گوشه ای دیگر از بساط دزدسالار سرمایه داری حاکم است. نپرداختن به موقع دستمزدها يك جنایت آشکار در حق کارگران و خانواده های کارگری است. کارفرمایانی که دستمزد کارگر را با تاخیر پرداخت میکنند، باید مجرم به شمار آیند و موظف به پرداخت خسارت دیرکرد پرداخت مزد به کارگر باشند. این خواستها از حقوق پایه ای کارگران است. حزب تمامی کارگری و خانواده های کارگری را به اعتراضی سراسری علیه بالا کشیدن دستمزد ها فرا میخواند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
حزب کمونیست کارگری ایران
۲ آبان ۱۳۹۷، ۲۴ اکتبر ۲۰۱۸

**نه قومی نه مذهبی
حکومت انسانی**

**۲۶۲ راننده اعتصابی کامیون
باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند!**

اتحادیه کارگران کانادایی علیه اعدام، شلاق و امنیتی کردن مبارزات در ایران



۲ آبان ۹۷، ۲۴ اکتبر ۲۰۱۸
<http://free-them-now.com>

به: خامنه ای و حسن روحانی

موضوع: موقعیت کارگران در ایران

من از طرف ۷۷ هزار نفر از اعضای اتحادیه کارکنان دولت و خدمت سربازان می نویسم.

مطلع شدیم که سه فعال سیاسی از شهرهای کردستان به اسامی رامین حسین پناهی، زانیار و لقمان مرادی را اعدام کردید. در اعتراض به این اعدام ها مردم شهرهای کردستان و مردم بسیاری در ایران اعتراض کردند. ما شدیداً این اعدامها را محکوم میکنیم و از مبارزات مردم ایران علیه اعدام حمایت و پشتیبانی میکنیم. مجازات اعدام باید لغو شود.

مطلع شدیم برای محمد حبیبی عضو کانون صنفی معلمان حکم ده سال و نیم زندان و ۷۴ ضربه شلاق داده شده است. او در تجمع بیستم اردیبهشت معلمان برای پیگیری خواستهایشان دستگیر شده و تا کنون در زندان است. ما این دستگیرها را محکوم میکنیم.

همچنین ۶ نفر دیگر از بازداشت شدگان روز ۲۰ اردیبهشت با اسامی "عالیه اقدام دوست"، عضو اتحادیه بازنشستگان، "رسول بدافی، بازرس سابق کانون صنفی معلمان تهران"، "اسماعیل گرامی"، "جواد ذوالنوری"، "حسین غلامی" و "محمد عابدی" که همراه با محمد حبیبی بازداشت و با قید وثیقه آزاد شده بودند در چهاردهم شهریور ماه شعبه ۱۰۶۰ دادگاه کیفری محاکمه و بر اساس حکم صادر شده در ۲۴ شهریور هر یک از آنان به ۹ ماه حبس و پرداخت ۵۰۰ هزار جریمه نقدی در ازای ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده اند. ما احکام صادر شده برای محمد حبیبی و این شش معلم معترض را شنیع و غیرانسانی میدانیم. ما خواستار لغو تمامی احکام صادر شده برای آنها و آزادی بدون قید و شرط محمد حبیبی از

بدنبال تلاش های مسعود ارژنگ عضو کمپین برای آزادی کارگران زندانی و در پاسخ به نامه های کمپین برای آزادی کارگران زندانی، استفانی اسمیت دبیر کل اتحادیه کارگران دولتی و خدمات در کانادا به نمایندگی از ۷۷ هزار عضو این اتحادیه طی نامه ای به مقامات جمهوری اسلامی و رونوشت آن به مقامات قضایی ایران، شورای عالی حقوق بشر، نماینده ایران در سازمان ملل و شهلا دانشفر به عنوان سخنگوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی، اعتراض خود را به وضعیت کارگران در ایران اعلام داشته است. او در این نامه با خواست لغو مجازات اعدام و با اعتراض به اعدام رامین حسین پناهی، لقمان و زانیار مرادی حمایت خود را از اعتراضات مردم کردستان و مردم ایران علیه اعدامها اعلام نموده است. استفان اسمیت همچنین در نامه خود خواستار لغو مجازات شنیع شلاق شده و اعتراض این اتحادیه را به حکم وحشیانه ده سال و نیم زندان و ۷۴ ضربه شلاق برای محمد حبیبی و نیز به احکام صادر شده برای ۶ نفر دیگر از دستگیرگان روز ۲۰ اردیبهشت که همراه با محمد حبیبی بازداشت شده بودند، اعلام کرده است.

استفانی اسمیت در بخش آخر نامه اش ضمن محکوم کردن امنیتی کردن مبارزات، خواستار لغو تمامی احکام امنیتی صادر شده برای فعالین کارگری، معلمان و فعالین اجتماعی از جمله برای بهنام ابراهیم زاده شده و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط محمد حبیبی، اسماعیل عبدی، روح الله مردانی، محمود بهشتی و تمامی زندانیان سیاسی شده است. در انتهای این نامه بر حق تشکل، حق اعتصاب و حق تجمع به عنوان حقوق پایه ای کارگران و مردم در هر جامعه ای تاکید شده است. نامه اعتراضی استفانی اسمیت همراه با ترجمه آن به فارسی ضمیمه است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
shahla.Daneshfar2@gmail.com

رانندگان و معلمان دستگیر شده باید فوراً آزاد شوند

هم متشکل کنند. جرمشان این است که خواهان یک زندگی بهتر هستند، به گرانی و بیکاری و زندگی زیر خط فقر اعتراض دارند، به اختلاس های مقامات، به حقوق های نجومی یک اقلیت مفتخور اعتراض دارند. میخوانند از یک زندگی انسانی برخوردار شوند، تحصیل رایگان و درمان رایگان را حق همه مردم میدانند، میخوانند متشکل شوند و در مقابل اجحافات و این زندگی مشقت بار اعتراض و اعتصاب کنند. و جمهوری اسلامی که نمیتواند کوچکترین بهبودی در زندگی مردم ایجاد کند تنها زبانی که میشناسد احضار و دستگیری سرکوب است. یکی از شعارهای محوری اعتصاب دو روزه معلمان آزادی معلمان زندانی بود. رانندگان نیز با خواست آزادی رانندگان زندانی و برای پیگیری خواست های ۱۷ گانه خود فراخوان به اعتصاب مجدد در روز ۱۰ آبان داده اند. خواست آزادی دستگیر شدگان اعتراضات و کلیه زندانیان سیاسی به یک خواست سراسری مردم تبدیل شده و در بسیاری اجتماعات شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد طنین انداز میشود. اعتصابات رانندگان و معلمان به همه مردمی که میخواهند

در جریان اعتصاب ۲۱ روزه سراسری و قدرتمند رانندگان کامیون ۲۵۶ نفر از آنها دستگیر شده اند و دادستان جنایتکار حکومت در قزوین ۱۷ نفر از آنها را به اعدام تهدید کرده است. یکی از رانندگان در شیراز به هفت سال و نیم زندان محکوم شده است. تعدادی از معلمان را نیز در طول اعتصاب دو روزه آنها در روزهای ۲۲ و ۲۳ مهر و یا بدنبال اعتصاب احضار و یا دستگیر کرده است. از جمله صادق شکری از سقز و محمدرضا رمضانزاده از بجنورد، دو نفر از معلمان دستگیر شده در جریان این اعتصاب هستند. علاوه بر اینها چندین نفر از معلمان هم در زندان به سر میبرند و به زندان های طولانی مدت محکوم شده اند: روح الله مردانی به ۶ سال زندان، اسماعیل عبدی ۸ سال، محمود بهشتی ۵ سال و علیرضا قنبری به ۱۰ سال زندان و محمد حبیبی به ۱۰ سال و نیم زندان و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده اند.

جرم رانندگان و معلمان این است که به جهنمی که جمهوری اسلامی بر سر آنها حاکم کرده اعتراض دارند، اعتصاب میکنند و یا اعتصاب سازمان میدهند و تلاش میکنند همکاران خود را

زندان هستیم. این تنها مورد نیست که احکام شلاق صادر میشود. قبلاً در قبال کارگران و فعالین اجتماعی دیگر چنین احکامی صادر شده و بعضاً اجرا شده است. از نظر ما این نوع احکام شنیع و باید ملغاً شود.

هم اکنون تعدادی از معلمان از جمله اسماعیل عبدی، محمود بهشتی، روح الله مردانی، و محمد حبیبی در زندانند. بهنام ابراهیم زاده از فعالین شناخته شده کارگری اخیراً دستگیر شد و به او اتهام تبلیغ علیه نظام زده شده و هر لحظه ممکن است دستگیر شود. ما خواستار آزادی فوری معلمان زندان و تمامی زندانیان سیاسی و لغو تمامی احکام امنیتی صادر شده برای فعالین کارگری، معلمان و فعالین اجتماعی هستیم. تشکل، اعتصاب، تجمع حقوق بلافضل و پایه ای کارگران و مردم یک جامعه است.

رونوشت: حسن روحانی، مقامات قضایی ایران، شورای عالی حقوق بشر، نماینده ایران در سازمان ملل و شهلا دانشفر

از این وضع نجات پیدا کنند مربوط است. این اعتصابات گام مهمی جامعه را به جلو برد، زمینه را برای اعتصابات و اعتراضات سراسری سایر بخش های جامعه بیشتر فراهم کرد. خواست های اعتصاب کنندگان نیز خواست های اکثریت قریب به اتفاق مردم است و باید با تمام قوا مورد حمایت قرار گیرد. همراه با رانندگان و معلمان خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه دستگیرشدگان شویم و اعتراضاتشان را تقویت کنیم.

راننده زندانی، معلم زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

حزب کمونیست کارگری ایران
 ۳۰ مهر ۱۳۹۷، ۲۲ اکتبر ۲۰۱۸

علیه قتل خاشقچی ...

از صفحه ۴

اقتصادی دولت های سرمایه داری. برای همین باید در همه جا با صدای بلند خواستار محاکمه سران و کارگزاران جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت شد. باید خواهان بسته شدن تمام سفارتخانه های جمهوری اسلامی و قطع حمایت و ارتباط همه دولتها با حکومت اسلامی شد. تحریک انقلابی در ایران در عین حال عاملی است که به هیچ نیرویی اجازه نخواهد داد که در مقابل جنایات بیشمار جمهوری اسلامی در ایران سکوت کند. *

از کارزار معلمان برای آزادی زندانی حمایت و پشتیبانی کنیم

همبستگی با این کارزار فراخوانده و در کنار معلمان تلاش میکنند که صدای اعتراض آنان در سطح جهان باشد.

چند سال است که اعتراض علیه امنیتی کردن مبارزات با خواست مشخص لغو احکام امنیتی زندان برای تمامی فعالین کارگری، معلمان و فعالین اجتماعی یک موضوع مهم کارزار مبارزاتی معلمان است. دفاع از این کارزار دفاع از حق تشکل، حق اعتصاب، حق تجمع و آزادی های پایه ای برای کل جامعه است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی با تمام قوا از کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات حمایت کرده و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۲۸ مهر ۹۷، ۲۰ اکتبر ۲۰۱۸

سال و نیم حکم زندان و ۷۴ ضربه شلاق، محمود بهشتی عضو دیگری از هیات مدیره این کانون با ۵ سال حکم، روح الله مردانی معلم-دانشجو با دو سال حبس در زندان سر می‌پرند.

یک کارزار مهم معلمان، کارزار آزادی معلمان زندانی است. از جمله یک شعار اعتراضی معلمان در اعتصاب روزهای ۲۲ و ۲۳ مهرماه، شعار آزادی معلمان زندانی بود. در سطح جهان نیز اتحادیه بین المللی معلمان تا کنون با نامه های متعددی حمایت خود را از کارزار معلمان برای آزادی همکاران بازداشتی شان اعلام کرده و خواستار آزادی همه معلمان بازداشتی شده است. اتحادیه های کارگری دیگری چون آی تی یو سی نیز این کارزار را همراهی کرده اند. با احضار ها و دستگیری های جدید کارزار معلمان برای آزادی همکاران بازداشتی خود گسترده تر شده است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی همگان را به

ابتدا او به اعدام محکوم شده بود که بعد از کارزاری گسترده در اعتراض به این حکم، محکومیتش به ۱۰ سال کاهش یافت. او سرانجام در اسفند ۹۴ پس از تحمل ۶ سال در پی قبول اعاده دادرسی اش آزاد گردید. اما اکنون دوباره به دادرسی اوین احضار و جهت تحمل ادامه حبس خود به بند ۸ زندان اوین انتقال یافت. به گفته نزدیکانش در بررسی مجدد پرونده وی توسط شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب در شهریورماه ۹۶ حکم سابق نه تنها کاهش نیافته است بلکه به ۱۵ سال حبس افزایش پیدا کرده است. روز ۲۳ اکتبر عبدالرضا قنبری برای تحمل ادامه حبس به زندان اوین منتقل شد.

قبلا نیز ۴ نفر دیگر از معلمان به اسامی اسماعیل عبدی از اعضای هیات مدیره کانون صنفی معلمان با ۶ سال حکم، محمد حبیبی یکی دیگر از اعضای هیات مدیره کانون صنفی معلمان با ده

شورای هماهنگی تشکل های صنفی معلمان در شهر بجنورد، در اولین روز اعتصاب سراسری معلمان در ۲۲ مهرماه در راه بازگشت به منزل بازداشت شد.

همچنین محمد صالح شکری عضو انجمن صنفی معلمان در شهر سقز در روز ۱۵ مهر توسط وزارت اطلاعات بازداشت شد و از آن زمان ملاقاتی با وکیل و خانواده خود نداشته است و تنها در یک تماس تلفنی کوتاه خبر دستگیری اش را گزارش کرده است.

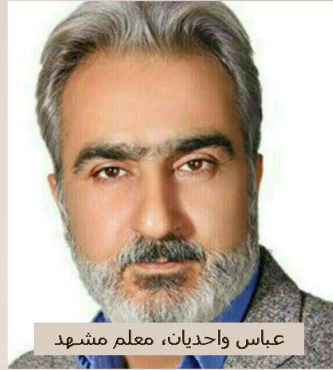
عباس واحدیان، معلم و عضو کانون معلمان مشهد نیز در روز ۱۹ مهر و در آستانه اعلام دو روز اعتصاب سراسری معلمان بازداشت شده است.

به علاوه عبدالرضا قنبری معلم و زندانی سیاسی سابق در روز ۲۳ مهر ماه بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. عبدالرضا قنبری قبلا در جریان خیزش مردم در دهم دیماه ۸۸ بازداشت شده بود. در آن مقطع

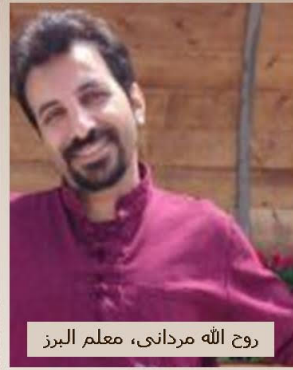
با بالاگرفتن ززمزه اعتراض در میان معلمان علیه گرانی، حقوقهای زیر خط فقر و تبعیض و نابرابری و با فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان به دو روز اعتصاب سراسری در روزهای ۲۲ و ۲۳ مهرماه حکومت اسلامی برای جلوگیری از برپایی این اعتراضات به تهدید و ارباب در میان معلمان شدت داد. سپس بعد از برگزاری اعتصاب سراسری معلمان و تحصن آنها در مدارس در بیش از ۶۰ شهر، احضارها شدت یافت. از جمله تنها در شهر سقز هفت معلم به اداره اطلاعات احضار شدند و در شهرهای دیگری چون تهران، قزوین، بجنورد، مریوان، کرمانشاه و الیگودرز نیز تعدادی از معلمان حکم احضار گرفته اند که از آنها خواسته شده است که در بیست و هشتم مهرماه خود را معرفی کنند. جدا از احضارها در این مدت دستگیری هایی صورت گرفته است. از جمله محمدرضا رمضانزاده، دبیر



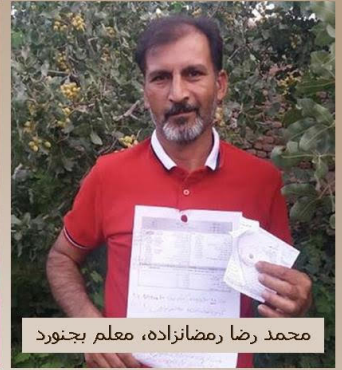
عبدالرضا قنبری، معلم و نویسنده



عباس واحدیان، معلم منشهد



روح الله مردانی، معلم البرز



محمد رضا رمضانزاده، معلم بجنورد



محمد صادق شکری، معلم سقز



کلیه معلمان زندانی فوراً و بی قید و شرط باید آزاد شوند.

سخنرانیهای مینا احدی در ماه نوامبر

شامل سخنرانی ریچارد داوکینز و میشاییل شمر در روز ۱۱ نوامبر، کنفرانس مطبوعاتی در محل کنفرانسهای دولت آلمان در مورد هفتاد سال منشور حقوق بشر با حضور میشاییل اشمیت سالمون، رعنا احمد و مینا احدی، اشتفان پاینتر و کارستن فوک روز ۱۶ نوامبر سخنرانی در مورد فرار آتیتسها از کشورهای اسلام زده و ضرورت دفاع از حق پناهندگی سیاسی بیخدایان با حضور چند

هفت نوامبر، سخنرانی در شهر اشتوتگارت آلمان با عنوان جنبش زنان در کشورهای اسلام زده و نگاهی به مبارزات زنان در ایران ۱۰ نوامبر سخنرانی در یک پانل با حضور زنان سرشناس مدافع حقوق بشر در شهر ماربورگ آلمان به دعوت اتحاد فمینیستی برای کمونیس ۱۱ تا ۱۷ نوامبر حضور در برنامه های متنوع در هفته سکولاریستی دفاع از حقوق انسانی. برنامه ها



سوسیالیسم را در ایران برقرار خواهیم کرد

جامعه ایران تشنه عدالت و برابری است. تشنه رفاه است تشنه رفع هر نوع تبعیض و هر نوع شکاف طبقاتی است. تشنه نظامی است که یک اقلیت مفتخور صاحب همه چیز نباشند، اکثریت کار کنند و این اقلیت پرور شود. یک مشت آقازاده و پورشه دار باشند و اکثریت از رفاه و تفریح و امکانات تحصیلی و مسکن مناسب بی بهره باشند. مردم اینرا در شعارهایشان فریاد میزنند، در افشاگری هایشان علیه مفتخوران حاکم میگویند و در بیانیه هایشان مینویسند. قرار نیست اینهمه اعتصاب و اعتراض، اینهمه قربانی دادن و زندان کشیدن،

اینهمه تلاش برای یک زندگی انسانی حاصلش فقط رفتن جمهوری اسلامی باشد و بار دیگر اقلیتی صاحب مالکیت و امتیازات فراوان باشند و بر اکثریت حکومت کنند. نه دیگر قرار نیست اینطور باشد. نمیگناریم اینطور بشود. نیروی انسانی کافی برای ساختن جامعه ای انسانی، جامعه ای برابر، جامعه ای که همه از رفاه برخوردار باشند، یک جامعه سوسیالیستی که امکانات تولیدی اش به همه بطور یکسان تعلق دارد، وجود دارد. اینرا تضمین میکنیم. جامعه ایران تشنه سوسیالیسم است.

زنان ناموس هیچ کس نیستند، نه به ناموس پرستی مردسالارانه، نه به فرهنگ و قوانین ضد زن اسلامی! میتینگ علیه زن کشی اسلامی در کلن آلمان! روز شنبه سوم نوامبر در مقابل کیسای دم "دم پلاته" از ساعت ۱۷

روزی نیست که در بخشی از کشورهای اسلام زده، زنان را نکشند، در عراق موج زن کشی راه افتاده و در طول ده روز حداقل پنج زن سنت شکن و طراح مد و یا صاحب سالن زیبایی را به قتل رسانند. در ایران و افغانستان و پاکستان و سودان و در همه جا که مذهب اسلام و جنبش اسلامی حرفی برای گفتن دارد، اولین کارشان سرکوب زنان، ایجاد وحشت در جامعه از طریق زن کشی است. به این جنایات بیشرمانه، چه از طرف حکومتها و دولتها و باندهای تروریست اسلامی و چه در مواردی از طرف برادر و پسر و همسر و ... باید اعتراض کرد.

قتل زنان در خانواده های مسلمان در اروپا نیز بیداد میکند. پنجاه و نه زن از خانواده های مسلمان فقط در آلمان طبق آمار در سال ۲۰۱۸، در معرض قتل ناموسی بوده و تعدادی بشدت زخمی و تعدادی به قتل رسیده اند.

روز شنبه سوم نوامبر، در مرکز شهر کلن در آلمان تجمع میکنیم و صدای اعتراض خودمان علیه زن کشی بلند میکنیم.

سخنرانان: ورود مهدی از کریلا / عراق مینا احدی

به همه دوستان و آشنایان خودتان خبر دهید. باید میتینگ بزرگی علیه فرهنگ مردسالارانه اسلامی و قوانین شریعه در آلمان و در همه جا برگزار کنیم. سکوت در مقابل این جنایات، به گسترش یافتن آنها کمک میکند.

نهاد اکس مسلم در آلمان



فراخوان رانندگان کامیون به شروع مجدد اعتصاب سراسری اولین خواسته ما آزادی ۲۶۲ همکار بازداشتی ماست

دانمارک، کانادا، آمریکا، هلند از آن اعلام از اعتصاب رانندگان کامیون در ایران حمایت کردند.

با چنین پشتوانه و با چنین قدرتی است که امروز رانندگان کامیون و کامیونداران در تدارک چهارمین دور اعتصاب خود هستند و به گفته خود با قدرت تر به میدان خواهند آمد.

حزب کمونیست کارگری کارزاری جهانی را در حمایت از اعتراضات رانندگان کامیون و برای آزادی رانندگان کامیون اعلام کرده است. با فراخوان رانندگان کامیون به اعتصاب، حزب با قدرت تمام در کنار آنان خواهد بود و تلاش میکند صدای آنان در سطح جهان باشد. سازمان دادن يك اعتراض قدرتمند برای آزادی رانندگان زندانی، گام مهمی در جهت تقویت این مبارزه و تحت فشار گذاشتن رژیم برای آزادی آنها است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ مهر ۱۳۹۷، ۲۲ اکتبر ۲۰۱۸

در شرایط گرانی فزاینده برخورداری شوند.

۲۱ روز اعتصاب قدرتمند رانندگان کامیون ابعاد اجتماعی گسترده ای به خود گرفت و موجی از همبستگی با آن در جامعه شکل گرفت و ابعاد بین المللی آن نیز بیسابقه بود. اخیر ترین این حمایتها، بیانیه فدراسیون های اتحادیه های کارگری جهانی است. در این اقدام مشترک فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری (آی تی یو سی)، فدراسیون بین المللی ترانسپورت (آی تی اف)، آموزش بین المللی (ای وان)، اتحادیه کارگران صنعتی جهانی، اتحادیه بین المللی غذا، کشاورزی، هتل، رستوران، تغذیه و دخانیات و انجمن کارگران متحد (آی یو اف) و کنفدراسیون اتحادیه های کارگری بین المللی که در مجموع بیش از ۲۰۰ میلیون نفر از کارگران را در سراسر جهان در بر میگیرند، طی نامه ای شدیدالحن خطاب به خامنه ای تهدید به اعدام ۱۷ راننده اعتصابی کامیون در ایران توسط دادگاه استان قزوین را محکوم کرده و ضمن حمایت از خواستها و اعتراضات رانندگان کامیون خواهان آزادی فوری بازداشت شدگان شدند. قبلا نیز اتحادیه های کارگران حمل و نقل در کشورهای دیگر چون

رانندگان کامیون با اعلام اینکه هیچکدام از قولهایی که توسط دولت داده شد، عملی نشده است برای دهم آبانماه فراخوان به آغاز دور دیگری از اعتصابات سراسری داده اند. رانندگان در این فراخوان اولین خواست خود را آزادی بلادرنگ ۲۶۲ همکار زندانی خود اعلام کرده اند. این فراخوان از سوی اتحادیه تشکلهای کامیونداران و رانندگان سراسری کشور داده شده است و در بخشی از آن چنین آمده است: "ما از روز ۲۱ مهر اعتصاب خود را موقتا متوقف کردیم تا قولهایی که مقامات به ما دادند را به محک تجربه بزنیم، اما متأسفانه شاهد بودیم که مطلقا ظرفیت و قصدی وجود ندارد. از اینرو ما از روز ۱۰ آبان برای چهارمین دور پر قدرت تر از همیشه وارد اعتصاب سراسری میشویم. قدرت ما در اتحاد و عمل و یکپارچگی برای رسیدن به اهدافمان می باشد...."

اعتصاب سراسری رانندگان کامیون و کامیونداران در دور قبل دامنه اش به ۳۲۰ شهر رسید. اعتراض رانندگان کامیون به کل سیستم فاسدی است که باعث شده است علیرغم کار سخت و زیان آور، رانندگان کامیون از درآمدی بسیار پایین و زیر خط فقر

اعلام کارزار جهانی برای آزادی دستگیر شدگان مبارزات جاری در ایران رانندگان دستگیر شده باید فورا آزاد بشوند

جاری در ایران" را در دستور میگذارد و همه کارگران و تشکل های کارگری در ایران، دانشجویان، نهادها و تشکل های پیشرو و سازمان های مخالف جمهوری اسلامی را فرامیخواند که در مبارزه برای آزادی رانندگان زندانی سهیم شوند و با تمام قوا برای آزادی بی قید و شرط کلیه دستگیرشدگان و لغو هر نوع اتهامی علیه آنها به میدان بیایند.

حزب از کلیه سازمان های کارگری و احزاب و سازمان های مدافع حقوق انسان در سراسر جهان میخواهد، کلیه امکانات خود را بکار گیرند و جمهوری اسلامی را برای آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه دستگیر شدگان تحت فشار بگذارند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ مهر ۱۳۹۷، ۲۲ اکتبر ۲۰۱۸

تعدادی از دانشجویان داده شده و تعداد قابل توجهی از دانشجویان در حال حاضر در زندان بسر میبرند. بسیاری از معترضین و مخالفین دیگر در عرصه های مختلف نیز زندانی شده اند.

مبارزین دستگیر شده علیه شرایط اسفناکی که جمهوری اسلامی به آنها تحمیل کرده و علیه کل سیستم فاسدی که آنها را به زیر خط فقر رانده است، دست به اعتراض و اعتصاب زده اند و بخش های مختلف مردم به هر شکل که توانسته اند همبستگی و حمایت خود را از اعتصابات و خواست های بحق آنها اعلام کرده اند. رانندگان کامیون که موقتا به اعتصاب خود در روز ۲۱ مهر پایان داده بودند، اعلام کرده اند که از روز ۱۰ آبان بار دیگر دست به اعتصاب سراسری زده و خواست اول آنها آزادی کلیه رانندگان دستگیر شده است.

حزب کمونیست کارگری با هدف آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه دستگیر شدگان و لغو هر نوع اتهامی علیه آنها "کارزار جهانی برای آزادی دستگیرشدگان مبارزات

۲۶۲ نفر از رانندگان اعتصابی در طول ۲۱ روز اعتصاب قدرتمند رانندگان دستگیر شده اند. یکی از رانندگان در شهر شیراز به ۷ سال و نیم زندان محکوم شده و دادستان رژیم در شهر قزوین ۱۷ راننده دستگیر شده را به اعدام تهدید کرده است. سه نفر از معلمان در جریان اعتصاب دو روزه ۲۲ و ۲۳ مهر دستگیر شده و تعداد بیشتری از آنها احضار شده اند. چند نفر از فعالین معلمان نیز از مدتها قبل در زندان هستند و به زندان های طولانی محکوم شده اند. تعدادی از زنان در تجمع ۲۰ مرداد دستگیر شده و تعدادی از آنها به ۶ ماه تا یکسال زندان محکوم شده اند. همچنین حداقل ۲۰ نفر به اتهام اعتقاد به بهائیت در ماههای گذشته دستگیر شده اند. فعالین محیط زیست نیز مرتبا دستگیر و احضار میشوند و تعدادی از آنها در زندان به سر میبرند و اخیرا فریاد هکی یکی از فعالین محیط زیست را به قتل رساندند. در دانشگاهها نیز فشار سیستماتیک علیه دانشجویان بویژه از دیماه سال قبل جریان دارد و احکام سنگینی علیه

زنده باد سوسیالیسم

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

